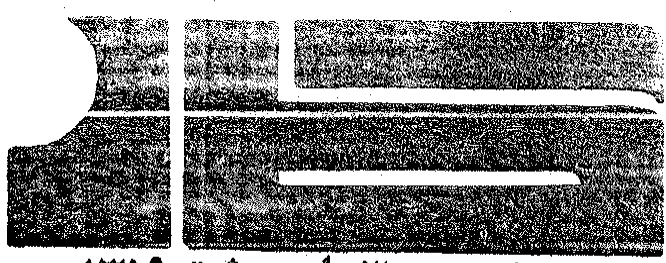


مرکز بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۵۵ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۲۰ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

یورش مسلحانه پاسداران و اوباشان به دانشگاه تهران صدها زخمی و چندین کشته برجای گذاشت

خون سرخ شهدای دانشگاه سنگر مقاومت و آزادی خلق را مستحکمتر ساخت

تهاجم گسترده هیئت حاکمه به دانشگاهها و مراکز آموزشی که برای سرکوب نیروهای انقلابی و نابودی آزادیهای سیاسی تدارک دیده شده با مقاومت

دلیرانه دانشجویان و دانش آموزان روبرو شده است. این تهاجم که به رهبری حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب و با بسیج اوباشان و اعزام نیروهای سرکوب به

صحنه دانشگاهها و مراکز آموزشی آغاز شد تاکنون صدها مجروح و چند شهید دانشجو داشته است. بیمارستانهای شهرهای بقیه در صفحه ۱ ضمیمه

کردستان:

یورش سرکوبگرانه ارتش و مقاومت دلاوران خلق

به دنبال تحریکات جنگ - ۱۰۰ نفر و با تجهیزات کامل افروزان ارتش در مناطق قصد دارد از کرمانشاه به بانه اشویه و کامیاران، این بار برود. از آنجا که در روزهای اعلام کردند که یک ستون اخیر در رابطه با کردستان ارتشی با نیرویی در حدود بقیه در صفحه ۲

شکست سرکوب دانشجویان پیروزی جنبش انقلابی خلق

مقاومت قهرمانانه دانشجویان پیشگام و سایر دانشجویان ترفیخواه در برابر تهاجم سازمان یافته به دانشگاهها و مراکز آموزشی که متوجه سلب حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی بود پیروزی بزرگی برای جنبش انقلابی دانشجویی آفرید. این مقاومت که با صدها زخمی و چندین شهید آغاز شده و در اشکال گوناگون تداوم دارد شکست بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران به حساب می آید.

بدون تردید دلایل طراحی سیاست سرکوب جنبش انقلابی دانشجویی ایران را نمی توان و نباید تنها در ابعاد دانشگاهها و مدارس عالی و مسائل مربوط به آن جستجو نمود. رشد و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی و بر زمینهای آن عمق و وسعتی که مبارزه طبقاتی در جامعه ما دارد در طراحی این سیاست نقش درجه اول داشته است. در عین حال سیاست " تثبیت قدرت " رئیس جمهور و تلاشهای مذبوحانه ای که حزب جمهوری اسلامی برای جلوگیری از ورشکستگی سیاسی و فرهنگی خود دنبال می کند برای درک چگونگی تهاجم به دانشگاهها و سرکوب جنبش انقلابی دانشجویی از بیشترین اهمیت برخوردار است. بقیه در صفحه ۲

بمناسبت یکصد و دهمین سالروز تولد لنین آموزگار بزرگ کارگران و زحمتکشان مراسم جهان

در کردار به آموزش های لنین وفادار مانیم!

رفیق لنین وظیفه کمونیستها را در برخورد با تئوری انقلابی در یک کلمه خلاصه می نمود:

"آموختن". این وظیفه همان توصیه مشهور انگلس را در بر داشت که می گفت " از وقتی که سوسیالیسم تبدیل به علم شده است باید با آن به مثابه علم برخورد نمود. یعنی "آموختن".

لنین تاکید داشت کسب معلومات کتابی درباره کمونیسم از روی رسالات و تالیفات کمونیستی بدون کار و بدون مبارزه، واجد هیچگونه ارزشی نیست. در صفحه ۱۲

مسئله نان و سیاست های دولت

اکنون بار دیگر مسئله نان برای مصرف کنندگان زحمتکش مطرح شده است. به همین دلیل وزارت بازرگانی در صدد برآمد که این مسئله را در ظاهر به نفع مستضعفین حل کند ولی در عمل با طرح تصویب شده خود تنها به تثبیت گرانی نان کمک کرد و مشکلات جدیدتری برای زحمتکشان به وجود آورد. در صفحه ۹

در این شماره:

- بیگانه با توده ها و کسب اعتماد توده های کفرانس لیبی، ۱۱ صفحه
- اتحاد کمونیست ها و دیگر نیروهای ضد امپریالیست در عمل، ۶ صفحه
- حماسه شهادت رفقا بزین و همزمان گرامی باد مادر توماج: ۱۰ صفحه
- بالاخره بنی صدر نکفت عاملین شهادت فرزندان دلاور خلق ترکمن چه کسانی هستند؟ ۱۶ صفحه
- مردم می خواهند بدانند امپریالیسم چیست؟ چگونه می توان با گرانی و بیکاری و فقر مبارزه کرد؟ صدا و سنای جمهوری اسلامی بحث بر مسائل ایدئولوژیک را دامن می زند! ۷ صفحه
- با بخش اعلامیه های جعلی به نام سازمان های انقلابی رادپو بغداد علیه مردم ایران تبلیغ می کند ۱۶ صفحه
- فرماندهان ارتش تجارب ارتش آمریکا در ویتنام را در کردستان بکار می گیرند ۲ صفحه

پانجمین نیرو این مردم فریبی ها را افشا کنیم

پاسداران و اوباشان بهترین فرزندان انقلابی خلق را در صحن دانشگاهها تا جوانمردانه به شهادت رسانیدند اما رئیس جمهور در سخنرانی دیروز خود اینطور وانمود می کند که سینه دانشجویان انقلابی را گلوله های خود آنان شکافته است. او دروغی را که در مورد ترور توماج و همزمان گفته بود - یکبار دیگر تکرار کرد.

گرامی باد حماسه شهادت دلاوران دانشجویان رزمنده و انقلابی دانشگاههای ایران

سندج تأثیری نداشته و مردم همچنان قاطعانه با نشستن روی جاده‌ها از عبور تانک‌ها و خودروهای ارتشی جلوگیری می‌کنند و ستون مجبور می‌شود در فرودگاه شهر متوقف شود.

● ۲۹ فروردین

صبح روز ۲۹ فروردین ارتش مستقر در پادگان سقر از پادگان بیرون آمده و دروازه‌های شهر را در کنترل می‌گیرد. گویا بدینوسیله می‌خواهد جاده‌ها را به منظور ورود ستون ارتشی که در فرودگاه سندج مستقر است، به اصطلاح "پاکسازی" کند محاصره شهر سقر به وسیله ارتش با عکس‌العمل بیشترگه‌ها روبرو شده و درگیری آغاز می‌شود. ارتشی‌ها شهر را با توپ و خمپاره مورد حمله قرار می‌دهند. امام جمعه سقر با فرمانده پادگان وارد صحبت شده و از وی می‌خواهند که شهر را به گلوله نیندازد ولی فرمانده پادگان اظهار می‌دارد که: "ما می‌خواهیم شهر را تسخیر کنیم و جاده‌ها را بگیریم". ارتشی‌ها بیمارستان را نیز می‌گیرند و از آنجا به طرف هرکس که بینند شلیک می‌کنند. بیشترگه‌ها و مردم همه‌جا سنگر گرفته‌اند. هلی‌کوپترها نیز وارد عمل شده و از هوا مردم را زیررگبار می‌گرفتند و فانوس‌ها هم بر فراز شهر به پرواز در آمده بودند. اما مردم سقر که در مرداد ماه گذشته و در جریان جنگ تحمیلی گذشته مقاومت دلیرانه‌ای از خود نشان داده بودند بی‌محابا در کوچه و خیابان به ساختن کوکتل مولوتف و سهراسی مشغول می‌شوند. آنها به همه سنگرها سر می‌کشند و کمک‌های لازم را به بیشترگان می‌رسانند و زخمی‌ها را در بهداری نگهداری می‌کنند. در این بهداری وسایل لازم یافت نمی‌شود و زخمی‌ها را به بوکان می‌فرستند. جنازه‌های شهدا در مسجد نگهداری می‌شود و یا در کنار خانه‌ها به خاک سپرده می‌شوند. دهها نفر از مردم بی‌دفاع بر اثر شلیک توپ و خمپاره کشته و زخمی می‌شوند. بیشتر شهدا را کودکان و زنان تشکیل می‌دهد. رفیق پروین افروزی دانش‌آموز پیشگام هنگام کمک رسانی به زخمی‌ها مورد اصابت گلوله بقیه‌در صفحه ۲

یورش سرکوبگرانه...

بقیه از صفحه ۱

از هاری و اویسی فرماندهان سابق ارتش نیز می‌گفتند که "اینها مردم نیستند بلکه گروهی فریب خورده هستند که روی پشت بام‌ها سوار می‌گذارند و در جوی‌های آب گرد فرمز می‌ریزند تا نشان دهند وضع غیرعادی است و گرنه اوضاع بسیار عادی است و مردم مشغول کار خودشان هستند". اینک نیز فرماندهان فعلی ارتش، این فرزندان خلف از هاری‌ها و اویسی‌ها از همان تاکتیک رسوا شده استفاده کرده و اظهار می‌دارند که تنها عده معدودی "ضدانقلاب" است که مانع عبور ستون‌های ارتشی می‌شوند. اما این تبلیغات پوچ در روحیه مردم

ستون به شهر جلوگیری کردند. ارتش به سبک دوران گذشته شروع به تهدید و بلوف‌های توخالی کرده و اظهار کردند که: "ستون نظامی به هر قیامی عبور خواهد کرد" و "دانش - آموزان فریب خورده! باید از سر راه واحدهای ارتش کنار روند" و گرنه چنین و چنان خواهد کرد. گه‌این تهدیدات یادآور تهدیداتی بود که ارتش و فرمانداری‌های نظامی در دوره شاه می‌کردند.

تهدیدات زیادی از طرف فرماندهان ارتش و شخص بنی‌صدر صورت گرفته بود، از همان ابتدا مشخص بود که آمدن این ستون بزرگ با اینهمه تجهیزات نگرانی مردم را تشدید خواهد کرد. مردم دلاور سندج از همان ابتدا با قاطعیت به ورود این ستون اعتراض کردند. مردم به دروازه شهر رفتند و در مقابل حرکت ارتش ویا برپا کردن موانع متعدد و نشستن در حیاط‌ها از ورود این

شکست سرکوب دانشجویان...

بقیه از صفحه ۱

درباره ماهیت سیاست های جاری شورای انقلاب به سرعت ارتقاء می‌یابد! گذشته از همه اینها باید توجه داشت که دانشگاه علی‌العموم و فعالیت‌ها و مبارزات انقلابی دانشجویان بطور مشخص عناصر ایدئولوژیک و فرهنگی معینی را اشاعه می‌دهد که با نگرش‌های واپس‌گرایانه حزب جمهوری اسلامی در اصطکاک دائمی است. این جنبه قضیه مضمون حقیقی همان چیزی است که زیر عنوان "انقلاب فرهنگی" موضوع تبلیغ و ترویج حزب جمهوری اسلامی است. بر چنین زمینه‌هایی است که تلاش برای سرکوب جنبش انقلابی دانشجویی و تعطیل دانشگاه‌ها، هیچ چشم‌انداز موفقیت‌آمیزی را برای طراحان آن به ارمغان نمی‌آورد. این سیاست‌ها بنا به جوهر و مضمون خود باعث تفرقه مردم شده و به اتحاد عمل نیروهای ضدامپریالیستی و ترقیخواه آسیب رسانیده و جهت گیری مبارزات ضد امپریالیستی مردم مبین ما را دچار انحراف می‌سازد. این سیاست‌ها مشخصا در خدمت تضعیف مبارزات ضدامپریالیستی مردم ما و تقویت مواضع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا است از اینرو مبارزه قاطع همه نیروهای ضدامپریالیست - ترقیخواه و انقلابی با این سیاست‌ها و افشای ماهیت آن، توضیح دقیق و روشن سیاست‌های سرکوب شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور به نودهای میلیونی مردم از اهم وظایف انقلابیون است. مقاومت قاطع و سرتاسری در برابر چنین سیاست‌های ارتجاعی به تضعیف هرچه بیشتر حزب جمهوری اسلامی و سیاست‌های نفاق افکنانه و ارتجاعی آن خواهد انجامید.

وظیفه جنبش انقلابی دانشجویی ایران، همچنانکه در "اطلاعیه دانشجویان پیشگام" به درستی خاطر نشان شده است، بسیج با برنامه نیرو و سازماندهی جنبش مقاومت است.

جنبش انقلابی دانشجویی باید و بدون تردید قادر است تاکتیک‌های مناسب چنین بسیج و سازماندهی و سرانجام پیروزی کامل را با برداشتهای واقع بینانه از وظایف و توان خود و مجموعه شرایط موجود و مبارزات طبقاتی در حال گسترش اتخاذ کرده و به کار گیرد.

مبارزه قاطع با اپورتونیزم چپ و راست و هدایت درست و اصولی مقاومت انقلابی دانشگاه می‌تواند پیروزی‌های بزرگتری برای جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک زحمتکشان مبین ما به ارمغان آورد. "سازمان دانشجویان پیشگام" که به ویژه در چند روز اخیر شایستگی‌های فراوانی از خود بروز داده است، باید نقش تاریخی و پیشگام خود را در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های قهرمان ما بیش از پیش درک کرده و بر آن اتکا داشته باشد.

رویدادهای چند روز اخیر ضمن آنکه تضادهایی را در رابطه با شیوه‌های عمل رئیس جمهور و حزب جمهوری اسلامی به نمایش گذاشت حاکی از اتفاق نظر آنها در سرکوب جنبش انقلابی دانشجویی ایران است.

برای اینکه درک روشن‌تری از علل تهاجم به دانشگاهها به دست دهیم لازم است از وضعیت مبارزه طبقاتی در جامعه ارزیابی کردارای ارائه دهیم.

مبارزه طبقه کارگر ایران هر روز ابعاد طبقاتی کسروده‌تری می‌یابد. این مبارزات که در چشم‌انداز خود علیه نسای طبقه سرمایه‌دار ایران جریان می‌یابد، محافل مدافع سرمایه‌داری را که در شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی دارای اعتبار و نقش رهبری کننده هستند نمی‌تواند به مقابله حدی برنیانگیزد. جنبش انقلابی دانشجویی ایران که بواسطه است به ویژه بعد از قیام تاثیرات انقلابی چشمگیری بر جنبش طبقه کارگر ایران برجای گذارد برای این بخش از نیروهای اجتماعی که در قدرت سیاسی سهم هستند یک دامن فعال به حساب می‌آید. گزارشات و اطلاعات موفقی در دست است که نشان می‌دهد در ماه‌های اخیر روی آوری بوده‌های کارگر و زحمتکش به دانشگاهها افرایش چشمگیری یافته است. کارگران با حضور در دانشگاهها و آشنائی و تماس با فعالیت‌های سیاسی و انقلابی دانشجویان با برداشتهای و تاثیرات انقلابی سببی به محیط‌های کار و فعالیت خود باز می‌گردند و تاثیرات انقلابی را در کارخانه‌ها منعکس می‌کنند که در گسترش و تعمیق هرچه بیشتر مبارزات طبقه کارگر ایران موثر می‌افتد.

این حقیقت در مورد سایر اقشار زحمتکش نیز صادق است. علاوه بر این در سطح خلقها و به ویژه در کردستان هم اکنون سیاست سرکوب خلق کرد که با رهبری شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور به پیش رانده می‌شود مناطق ناراضگان کردستان را در جنک فرو برده است. طبق اخباری که در دست داریم در جریان درگیری‌ها اخیر، گروه‌هایی از سربازان و درجه‌داران به نیروهای انقلابی پیوسته‌اند. هم‌اکنون در ارومیه گروه‌هایی از سربازان و درجه‌داران در تحص به سر می‌برند. آنها اعلام کرده‌اند که آنان را به بهانه مقابله با مهاجمین عراقی به کردستان و مرزها اعزام دانسته‌اند درحالی که اکنون عملا به آنان فرمان می‌دهند که مردم زحمتکش کردستان را کشتار کنند. مردمی که خود دشمنان آشتی‌ناپذیر رژیم بعث عراق هستند.

بدیهی است که فعالیت‌های گسترده سیاسی دانشجویان جایی برای فریبکاری‌های شورای انقلاب و رئیس جمهور در کردستان و گنبد و ... نمی‌گذارد و باز روشن است که باز بودن دانشگاه آن هم با قبول فعالیت‌های سیاسی دانشجویان به معنی آن است که آگاهی نوده‌های مردم

سرکوبگران خلق کُرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



بقیه از صفحه ۲

یورش ...

ارتشی‌ها قرار می‌گیرد و شهید می‌شود. شب هنگام برق شهر سقز یکپارچه قطع می‌شود و پادگان بی‌هدف، گلوله‌های توپ و خمپاره شلیک می‌کند. صدای بلندگوی ارتش از پادگان از مردم می‌خواهد شهر را ترک کنند تا آنها حساب "ضد انقلاب" را برسند. اما مردم وقتی نمی‌گذارند. از بلندگوی مسجد نیز که در دست پیشمرگان و مردم است مرتباً اخبار جهت آگاهی مردم پخش می‌شود و از همین بلندگو صدای سرودهای انقلابی نیز به گوش می‌رسد. جاش‌ها نیز از چند نقطه مردم را که در بهداری و مسجد جمع شده‌اند زیر آتش می‌گیرند. یک جاش کشته و چند جاش دیگر زخمی و دستگیر می‌شوند. مقاومت مردم و پیشمرگان چشمگیر است. تلفات ارتش بسیار زیاد است (حدود ۵۰ کشته و زخمی) عده‌ای از پرسنل انقلابی با سلاح‌هایشان به مردم می‌پیوندند. دو تانک ارتشی منهدم و یک هلی‌کوپتر به وسیله پیشمرگان سقوط می‌کند.

۳۰ فروردین

صبح روز ۳۰ فروردین درگیری با شدت بیشتری ادامه پیدا می‌کند. دهها خانه ویران می‌شود و تعداد بیشتری از خانه‌ها و مغازه‌های مردم آسیب می‌بیند. در این روز ۴ نفر دیگر از مردم بر اثر شلیک خمپاره و توپ شهید می‌شوند. هلی‌کوپترها همچنان با شدت از هوا مردم را به رگبار می‌بندند. ارتش تلفات دیگری را متحمل می‌شود. سه ارتشی و از جمله یک سروان کشته می‌شوند. روحیه ارتشی‌ها تضعیف می‌شود. سربازان قصد داشتند تسلیم شوند. آنها به پشت تپه‌ها عقب‌نشینی می‌کنند. عده‌ای دیگر با سلاح‌هایشان به مردم می‌پیوندند. اما بقیه در وضع مصیبت‌باری گیر کرده‌بودند. وضعی که چاره‌ای جز تسلیم شدن یا کشته شدن برای آنها باقی نگذاشته بود. دانش‌آموزان پیشگام و بقیه دانش‌آموزان با تلاش بی‌نظیری به زخمی‌ها کمک می‌کردند، به پیشمرگان

وسيله مورد لزومشان را می‌رسانند، خیرهارا سرعت جمع‌آوری کرده و در محل‌های تجمع مردم نصب می‌کنند. آنها از صحنه‌های بیشمار جنایات ارتش، ارتش ضد خلقی عکس برمی‌دارند. نیروهای درون هیئت نمایندگی تصمیم می‌گیرند برای جلوگیری از ویران شدن شهر در صورت لزوم شهر را تخلیه کنند. تاکنون یعنی ۳۱ فروردین حدود ۱۵ نفر کشته و بیش از ۳۰ نفر مجروح شده‌اند که بیشتر آنها بر اثر اصابت تکه‌های راکت هلی‌کوپتر، خمپاره و توپ کشته یا زخمی شده‌اند. درگیری‌ها همچنان ادامه دارد و روحیه مردم سقز بسیار خوب است و بیشتر زخمی‌ها در تنها ایستگاه شهر بوکان بستری هستند. در بوکان که نزدیکترین شهر به سقز است، ستادی برای جمع‌آوری کمک مالی، دارویی و غذائی تشکیل شده است که مردم بوکان فعالانه در کمک رسانی به مردم سقز شرکت می‌کنند و کمک‌ها به قدری بوده است که هیئت نظارت در سقز چندین بار خبر داده‌اند که دیگر چیزی فرستند. در این رابطه دانش‌آموزان پیشگام بوکان نقش بسیار ارزنده‌ای ایفا

کردند. در عرض این سه روز هواپیماهای فانتوم که در ارتفاع کوتاه پرواز می‌کنند، مرتباً سعی دارند با ایجاد رعب و وحشت روحیه مردم را تضعیف کنند.

۳۱ فروردین

روز ۳۱ فروردین محله فقیر نشین جمال آباد توسط ارتش به شدت کوبیده می‌شود. عده‌ای از مردم شهر را ترک کرده‌اند. از بلندگوی پادگان مرتباً به مردم اخطار می‌کنند. پس از مدتی بازهم هواپیماها به مانور پرداخته و هلی‌کوپترها به شدت حملات خود می‌افزایند. یکی از پیشمرگه‌ها اظهار می‌داشت خندق‌هایی را که "جهاد سازندگی" در اطراف شهر زده‌اند از روی نقشه قبلی بوده و ارتش در این خندق‌ها موضع گرفته است.

روز ۳۱ فروردین ستونی که در فرودگاه سنندج مستقر بود قصد دارد به سقز برود و چون مردم جلوی پیشروی ستون را گرفته و در جاده بست نشسته‌اند، ستون از طریق جاده دیگری قصد حرکت به طرف سقز را دارد. آنجا نیز توسط پیشمرگه‌ها متوقف شده و درگیری آغاز می‌شود. پنج نفر از ارتشی‌ها کشته و ۱۲ نفر دیگر اسیر

می‌شوند. سه ریبو ارتشی به وسیله پیشمرگان منهدم شده است. یک سرگرد ارتش در میان دستگیر شدگان است. ۱۲ ریبو ارتش و تریلر حامل خواروبار و بنزین و مهمات توسط پیشمرگان به غنیمت گرفته می‌شود که در میان مردم توزیع می‌شود. سه پیشمرگه در جریان درگیری با ستون به شهادت می‌رسند. هلی‌کوپترهای ارتش مواضع پیشمرگان را به شدت می‌کوبند. با این حال جلوی پیشروی ستون ارتشی گرفته می‌شود. فانتوم‌ها برای ایجاد وحشت در شهر سنندج مانور می‌دهند. تانک‌های مستقر در پادگان سنندج بطرف شهر نشانه‌روی می‌کنند. فرمانده پادگان از فلاحی درخواست نیروی کمکی برای تسخیر شهر کرده است. فلاحی قول داده است که حداقل دو هواپیمای (سی-۱۳۰) به زودی در فرودگاه پیاده کنند. طبق آخرین خبرها ستون ارتشی بر اثر مقاومت شجاعانه پیشمرگان جنبش مقاومت مجبور به توقف شده است. عده‌ای از پرسنل انقلابی در سنندج به مردم پیوستند، در برون نیز عده‌ای از پرسنل انقلابی با سلاح‌هایشان به مردم پیوسته‌اند و فرمانده

پادگان اخطار کرده است که اگر مردم اینها را به ارتش تحویل ندهند (طرف ۵ ساعت) به شهر حمله خواهند کرد.

اول اردیبهشت

درگیری بطور پراکنده (۱۰ اردیبهشت ۵۹) در سقز ادامه دارد. در سنندج نیز امروز اول اردیبهشت عده‌ای از جاش‌ها به طرف مردم تیراندازی می‌کنند. بعضی از این جاش‌ها توسط پیشمرگان دستگیر شده‌اند. در اشنویه ارتش روستاها را به توپ بست که طی آن چند خانه منهدم شده و یک وستائی کشته می‌شود. در (روستای آلبه) ۱۲ نفر از روستائیان همین روستا نیز به وسیله ارتشی‌ها به گروگان گرفته می‌شوند. در دره قاسملو نزدیک به ۲۰ نفر ارتشی کشته و بیش از ۴۰ نفر زخمی شده‌اند. تعدادی سلاح و مهمات به دست پیشمرگان افتاده است. بر اثر حمله ارتش به روستاها صدها نفر از روستائیان آواره شده‌اند و به روستاهای دیگر پناه برده‌اند. در اشنویه مدارس تعطیل است و جریان برق و تلفن این شهر یک‌هفته است که بوسیله ارتش قطع شده است.

اسامی زخمی‌ها و شهدای جنگ سقز

که تا این لحظه شناخته شده و به دستمان رسیده است

زخمی‌ها:

- ۱- علی فیضی ۱۶ ساله دانش‌آموز - تیرخوردگی از ناحیه پا.
- ۲- احمد ولی ۱۳ ساله دانش‌آموز بوسیله خمپاره در جلوی منزلشان زخمی شده است.
- ۳- اسماعیل ابراهیمی ۶۰ ساله - کارگر - بوسیله خمپاره در جلوی منزلشان زخمی شده است.
- ۴- حسین ولی ۸ ساله به وسیله خمپاره در جلوی منزلشان زخمی شده است.
- ۵- عبدالله قاضی ۳۶ ساله توسط انفجار خمپاره زخمی شده است.
- ۶- محمد صالحی ۱۳ ساله دانش‌آموز - بوسیله جاش‌ها تیرخورده است.
- ۷- مهران سلطانی ۷ ساله - دانش‌آموز.
- ۸- پروانه ولی ۱۷ ساله
- ۹- خدیجه ولی ۸ ساله
- ۱۰- غفور ولی ۴۰ ساله
- ۱۱- شاهگل ۷ ساله - به وسیله خمپاره زخمی شده است.
- ۱۲- نجیبه ذکاوت ۳۴ ساله به وسیله گلوله کالیبر ۵۰ زخمی شده است
- ۱۳- هادی محمودی ۱۲ ساله بر اثر انفجار خمپاره.
- ۱۴- کریم عبدالله ۲۲ ساله
- ۱۵- عمر اسماعیلی ۱۶ ساله
- ۱۶- فرحناز کریمی ۱۰ ساله - دانش‌آموز - بر اثر انفجار خمپاره.
- ۱۷- محمد حسن زادم ۲۵ ساله - کارگر روستائی بوسیله گلوله کالیبر ۵۰ از هلی‌کوپتر.

- ۱۸- محمد محمدیان ۶۰ ساله - کارگر روستائی بوسیله گلوله کالیبر ۵۰ از هلی‌کوپتر.
 - ۱۹- علی حسین زاده - ۳۲ ساله کارگر روستائی بوسیله گلوله کالیبر ۵۰ از هلی‌کوپتر.
 - ۲۰- خضر خلیلی ۱۲ ساله بر اثر انفجار راکت هلی‌کوپتر.
 - ۲۱- قره‌نی ایلخانی زاده - ۲۵ ساله - بر اثر اصابت گلوله ژ-۳
 - ۲۲- حسن کسترانی - ۶۵ ساله
 - ۲۳- فوزیه اردلان بر اثر انفجار خمپاره
 - ۲۴- سیدطاها هادی زاده
 - ۲۵- ثریا نادری
- اسامی بقیه زخمی‌ها در دست نیست.

اسامی شهیدان:

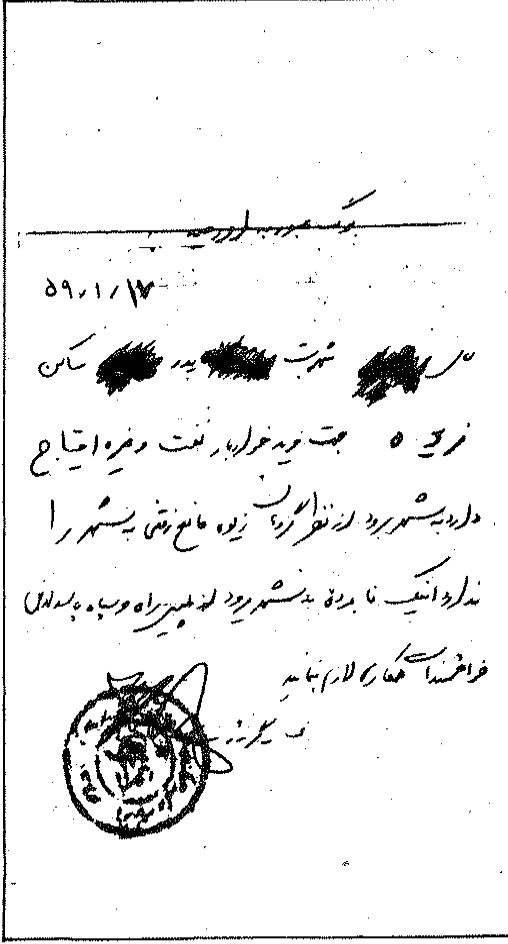
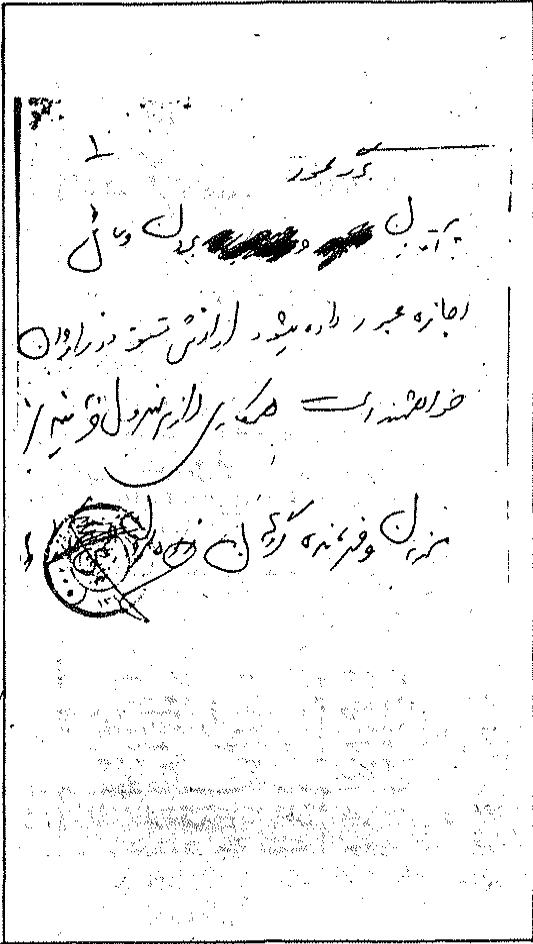
- ۱- علی شکری
 - ۲- علی جلالی
 - ۳- ناجی احمد زاده
 - ۴- پروین افروزه (رفیق پروین افروزه که از رفقای پیشگام بود هنگامی که با برادر کوچکترش برای کمک به زخمی‌ها به بیمارستان می‌رفت توسط یک مزدور ارتشی دستگیر می‌شود. مزدور ارتشی لوله تفنگ خود را بر گونه رفیق می‌گذارد. برادر کوچکترش خواهش می‌کند که او را به جای خواهرش بکشد. اما مزدور جنایتکار ماشه را می‌چکاند و در حالی که رفیق به شهادت می‌رسد به برادر کوچکترش می‌گوید: بگذار تو هم قدری بزرگتر شوی، تو را هم می‌کشم.)
 - ۵- حسن سلیمی
 - ۶- لیلیا ولی - ۵ ساله
- و حدود ۹ نفر دیگر از مردم عادی که اسامی آنها در دست نیست بر طبق آخرین خبر یکی دیگر از دانش‌آموزان پیشگام به نام رفیق فرانک به هنگام کمک رساندن به زخمی‌ها شهید شده است.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقی ایران

فرماندهان ارتش تجارب ارتش آمریکا در ویتنام را در کردستان بکار می گیرند

درگیری های اخیر غرب ارومیه نشان می دهد که چگونه فرماندهان دست پرورده آمریکا در ارتش جمهوری اسلامی (مثل فلاحتی که در ویتنام دوره دیده است) سیاست های تهاجمی و سرکوبگرانه ارتش آمریکا در ویتنام را بکار می گیرند. فرماندهان ارتش که سالها شیوه سرکوب خلقها را از فرماندهان آمریکایی خود و آخرین دستورالعمل های کتبی آنها آموزش دیده اند برای سرکوب خلق کرد دست به بمباران روستاها می زنند آنها با این شیوه مذبحخانه و جنایتکارانه می خواهند روستاها را از زحمت کشانی که مبارزان خلق کرد و پیشمرگه را در حمایت و پناه خود می گیرند ، خالی سازند و به همین منظور روستاها را بمباران می کنند. بمباران مدام منطقه مرگور ترکور مخصوصا دره قاسملو جزئی از این سیاست است. روستائیان منطقه مجبور به

ترک روستای خود شده اند و روستائینی که هنوز در آن مناطق هستند بدون داشتن برگ عبور پاسگاه حق خارج شدن از روستا را ندارند. امپریالیسم آمریکا عین همین سیاستها را در ویتنام پیاده می کرد. آنها دهکده ها را بمباران می کردند و یا در حملات وحشیانه به آتش می کشیدند افراد " مشکوک " را دستگیر می کردند و به قتل می رساندند و سایر اهالی را در مناطق مخصوصی که " دهکده های استراتژیک " خوانده می شد مستقر می کردند و تحت حفاظت شدید میگرفتند تا مانع تماس و حمایت آنها از انقلابیون گردند. امپریالیست ها همین سیاست را در زیمبابوه و بسیاری مناطق دیگر به کار گرفته اند. و اکنون فرماندهان دست پرورده آمریکا در ارتش جمهوری اسلامی این سیاست را در کردستان عملی می کنند.



با امپریالیسم جنایتکار آمریکا ورژیم فاشیستی عراق پیکاری پرتوان خواهیم کرد! پرسنل انقلابی نیروهای مسلح: ولی فرصت سودجویی به تیپساران شاهنشاهی و سرکوبگران ارتش نخواهیم داد!

مسئله امنیت داخلی در حقیقت به بسیج نیروهای مسلح برای سرکوبی جنبش می پردازد و تضاد امپریالیسم و سازشکاران را با توده ها بدین طریق سرپوش می گذارد. ما در این مقطع حساس از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده ها قاطعانه اعلام می داریم که پرتوان و مصمم دوشادوش خلقها به پیکاری جانانه با امپریالیسم آمریکا ورژیم فاشیستی عراق خواهیم پرداخت ولی در عین حال به خوش خیالان و دوستان امپریالیسم و فرماندهان آمریکایی ارتش اخطار می کنیم که هرگونه سودجویی خائنانه از احساسات مبارزه جویانه توده ها و پرسنل نیروهای مسلح را افشاء و درهم خواهیم شکست. پرسنل انقلابی نیروهای ۲۱ فروردین ۵۹

است. همکاران رزمنده! رئیس جمهور در پیام خود به مناسبت قطع رابطه آمریکا با ایران به جای پرداختن به لزوم اتحاد همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست و به جای بسیج همه توده ها علیه آمریکا ورژیم فاشیستی عراق تلاش کرد تا مبارزات حق طلبانه خلقها را به نخطئه کشد و ارگانهای سرکوب را برای یورش به این مبارزات آماده نماید. آقای رئیس جمهور تهدیدات آمریکا و تجاوزات عراق را نتیجه مبارزات مبارزان و درجه داران نیروهای مسلح برای افشای تیپساران شاهنشاهی ارتش دانست و سعی نمود با پشیمان جلوه دادن پرسنل از این مبارزه روحیه انقلابی آنها را تضعیف نماید. آقای رئیس جمهور با طرح

تو خالی امپریالیسم آمریکا بوجی و رسوائی همه ادعاها از جمله ندامت نامه کذائی اش که بعضیها چون آقای رئیس جمهور آنرا یک پیروزی بزرگ دانستند و دلالتی چون قطب زاده آن را شکست قطعی امپریالیسم نامیدند! برملا شده است. اکنون که دیگر دوستان آمریکا در شورای انقلاب و سایر جناحهای حاکم موفق نشدند به سادگی وبه میل اربابشان به مسئله گروگانها و مبارزات ضد امپریالیستی توده ها پایان دهند، آمریکای جنایتکار دست به اجرای توطئه های جدیدی زده است. سفر شاه به مصر ملاقات نمایندگان کاخ سفید چون برزیسکی و مهره هائی چون بختیار با دولت عراق و تشدید تهاجمات تبلیغاتی و نظامی رژیم فاشیستی بعث به ایران از جمله این توطئه ها

سرمایه داری و استثمار از مخصمه مبارزات زحمتکش نقش بر آب می بیند وظایف و مسئولیت های حساسی به ویژه بردوش پرسنل نیروهای مسلح نهفته است. سربازان، درجه داران، همافران و افسران انقلابی نیروهای مسلح! هوشیار باشید! و ضمن پیکار قاطع و پرتوان با آمریکای جنایتکار و رژیم سرسپرده عراق نگذاریم تیپساران شاهنشاهی، سازشکاران و نیرنگ بازان درون شورای انقلاب و دلالتان سیاست های امپریالیستی از این حساس بودن وظایمان سود جویند و با سرپوش تائین امنیت به بسیج ارتش ضد خلقی برای سرکوبی جنبش هموطنانمان بپردازند! یاران آگاه و مبارز! اکنون دیگر با تهدیدات

همکاران مبارز! خلقهای قهرمان ایران!! اینک که مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های زحمتکش ما اوج دیگری یافته است، اینک که آمریکای جنایتکار و دوستان داخلی یعنی سازشکاران در متوقف کردن سیل خروشان جنبش خلقها شکست خورده و کلافه شده اند، اینک که سرسپردگان امپریالیسم در منطقه نظیر رژیم فاشیستی عراق برای نجات خود و اربابانش از لهیب سوزان آگاهی و مبارزه توده ها، ایران عزیز و جنبش قهرمانانه اش را مورد تهدید نظامی قرار می دهد و گستاخانه در مرزها به یورش می پردازد، و اینک که نیرنگ بازان و فریبکاران وطنی داخل هیئت حاکمه طرح های سازشکارانه و ضد خلقی شان را برای رهائی

امریکا تو خالی است ویتنام گواهی است



مبارزه با وحدت و پایداری دانشجویان و استادان با حمایت و پشتیبانی مردم آگاه و مبارز

سرکوب جنبش انقلابی دانشجویان محکوم به شکست قطعی است

می کند، آشکارا به فریب مردم و خیانت به آرمان آنان دست زده است.

دانشجویان و دانشآموزان و همه نیروهای ترقی خواه از نخستین روزهای پس از قیام خواهان تغییر نظام آموزشی به وسیله شوراهای دانشگاهها به سود زحمتکشان بوده اند، اما حکومت نه تنها در این راه هیچ اقدامی نکرده است بلکه به شهادت مدارک و اسنادی که وجود دارد، همیشه در مقابل این خواست دانشجویان و دانشگاهیان سنگ اندازی کرده است و امروز به بهانه تغییر نظام آموزشی فعالیت های صنفی و سیاسی دانشجویان و دانشآموزان را مورد تهاجم قرار داده است و عملاً مانع دگرگونی نظام آموزشی به سود زحمتکشان شده است.

از نظر حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب تغییر نظام آموزشی یعنی نابودی آزادی های سیاسی، از میان بردن حقوق دمکراتیک دانشجویان و دانشگاهیان، برجیدن شوراهای دانشگاه، برجیدن کتابخانه های دانشجویی، نابودی استقلال دانشگاه و بازگرداندن گارد دانشگاه تحت نامها و پوشش های جدید.

از نظر حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب تغییر نظام آموزشی یعنی بازگرداندن شیوه های اختناق و سرکوب به دانشگاهها و مراکز آموزشی حکومت با این اعمال سرکوبگرانه ثابت می کند که برخلاف ادعاهایش همانگونه که با تلاش در راه استقرار نظام اطاعت کورکورانه در ارتش نشان داده است، به هیچ وجه خواهان دگرگونی در نظام آموزشی نیست.

مبارزات عادلانه دانشجویان و دانشآموزان و مقاومت آنان در برابر سیاست های سرکوبگرانه و ارتجاعی بدون تردید به پیش خواهد رفت و از حمایت مردم آگاه و مبارز ایران و همه نیروهای انقلابی و دمکرات برخوردار خواهد شد.

نه اخراج استادان، معلمان و دانشجویان و نه تعطیل دانشگاهها و مدارس و نه سرکوب و کشتار دانشجویان و دانشآموزان، هیچ کدام نخواهد توانست خللی در مقاومت آنها و مبارزه آنها به سود طبقه کارگر و زحمتکشان، علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران ایجاد کند. این تلاش های مذبوحانه خود تیانگر رشد مداوم نیروهای انقلابی و ورشکستگی سرکوبگرانی است که در آزادی برخوردار اندیشه ها و عقاید، شکست حتمی خویش را می بینند و از آن می هراسند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، همه نیروهای ترقی خواه و ضدامپریالیست و همه انقلابیون کمونیست دانشگاهها و مراکز آموزشی را به اتحاد عمل و پایداری فرا می خواند و از تمامی مردم آگاه و نیروهای ترقی خواه، ضدامپریالیست و انقلابی می خواهد که هر چه بیشتر و قاطعانه تر از مبارزات عادلانه دانشجویان حمایت به عمل آورند.

ما بار دیگر تاکید می کنیم که این یورشها، در برابر مقاومت یکپارچه دانشجویان و دانشگاهیان، معلمان و دانشآموزان که از حمایت نیروهای انقلابی و مردم آگاه برخوردار است، با شکست روبرو خواهد شد و شمره ای جز شکست و رسوایی بیشتر برای طراحان آن به بار نخواهد آورد.

در چنین شرایطی است که باندهای سیاه و اوباشان و قمعگشانی که توسط شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی رهبری می شوند، به کمک کمیته ها و پاسداران، دانشجویان و دانشآموزان را به خون می کشند و آقای رئیس جمهور که زمانی مدعی طرفداری از آزادی های سیاسی شده بود، هشدار داده است که اگر تا روز دوشنبه دفاتر صنفی - سیاسی دانشجویان در دانشگاهها و مراکز آموزشی بسته نشود، این اعمال سرکوبگرانه را تشدید خواهد کرد. او با این سخنان اوج کینه و دشمنی خود را نسبت به آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم و نسبت به استقلال دانشگاهها نشان داده است.

وحشت حکومت از آگاهی مردم میهن ما و نقش افشاگرانه دانشجویان و دانشآموزان بدان پایه است که رسماً تعطیل کتابخانه ها و مراکز صنفی دانشجویی را مورد تاکید قرار داده است.

دانشجویان و دانشگاهیان که با مبارزات دلاورانه و خونبار خود، آزادی فعالیت های صنفی - سیاسی در دانشگاه را به کف آورده اند، دانشجویان که در برابر یورش های وحشیانه گارد دانشگاه با نثار خون، از آرمان ترقی خواهانه خویش به دفاع برخاسته و در زیر رگبارهای ارتش و پلیس شاه فریاد اتحاد، مبارزه، پیروزی را به گوش حلقه های ایران رسانده اند و پرچم خویش قیام را افزاینده تر نگه داشته اند، دانشجویان و دانشآموزانی که دانشگاهها و مراکز آموزشی را به سنگر مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران و نابودی سلطه امپریالیسم تبدیل کرده اند، امروز بیش از هر زمان دیگری برای دفاع از ثمرات مبارزات خویش خرد آمده اند و هرگز اجازه نخواهند داد که بار دیگر فضای اختناق سر دانشگاهها و مدارس حاکم شود و گاردهای دانشگاه در پوشش و نام های جدید بار دیگر به صحنه دانشگاه بازگردند و شمره خون شهدای دانشگاه را بریاد دهند.

دانشجویان انقلابی و همه مردم آگاه ایران خوب می دانند که نه دسیسه های آقای بنی صدر و نه طرح ها و تصویب نامه های حزب جمهوری اسلامی ایران قادر نیستند یوغی را بر گردن دانشجویان نهند که رژیم دیکتاتوری شاه نیز از تحمیل آن بر دانشجویان عاجز ماند.

آری اتحاد و مبارزه دانشجویان انقلابی و پشتیبانی همه آنان که از حداقل درک و آگاهی سیاسی برخوردارند، پشتیبانی میلیونها مردم آگاه و مبارز ایران هرگز اجازه نخواهد داد فضائی را بر دانشگاهها تحمیل کنند که جنایتکارترین رژیم قرن نیز از تحمیل آن به دانشجویان عاجز ماند. آری سرکوبگران در هر لباسی، در هر مقامی و به هر نامی که باشند - حفیرتر از آنند که در برابر اراده انقلابی نیروهای خلق سر فرود نیاورند.

امروز هر گوشه دانشگاه جلوه ای از مبارزات دلاورانه دانشجویان و خاطرهای از شهادت دلاوران دانشگاه را آشکار می کند، امروز هر گوشه دانشگاه صحنه ای از تاریخ مبارزات خویش دانشجویان را بازگو می کند، مبارزاتی که در سرنوشتی رژیم شاهنشاهی نقشی چشمگیر داشت.

دانشجویان و استادان مبارز دانشگاهها و مدارس عالی با تکیه بر این پشتوانه خونین مبارزاتی و با تکیه بر حمایت وسیع مردم، در برابر یورش سرکوبگران خواهند ایستاد و با نثار خون خویش از ثمرات این مبارزات خویش، از استقلال دانشگاهها و حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی دفاع خواهند کرد.

شورای انقلاب که به بهانه تغییر نظام آموزشی تهاجم به دانشگاهها و مدارس عالی را رهبری

دانشگاهها و دیگر مراکز آموزشی، مورد تهاجم سراسری و سازمان یافته حزب جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور قرار گرفته است. طراحان این تهاجم، اقدامات سرکوبگرانه خود را زیر پوشش انقلاب فرهنگی و دفاع از اسلام به اجرا گذاشته اند.

آنها با چنین پوششی به دفاتر و مراکز فعالیتهای سیاسی و صنفی دانشجویان یورش برده اند و در صدد منع فعالیت های سیاسی و صنفی دانشجویان شوند و اختناق را دوباره در دانشگاهها و مدارس عالی حاکم سازند.

تهاجم به دانشگاهها و اشغال آن که تحت رهبری حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب آغاز شده، پس از حوادث تبریز و دیگر دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور و مقاومت همه جانبه دانشجویان و دانشگاهیان و پشتیبانی مردم آگاه از آنها، به شیوه ای جدید که بنی صدر مبتکر آن است، ادامه دارد.

حکومت در بیانیه رسمی شورای انقلاب و سخنان بنی صدر، آشکارا اعتراف کرد که رهبری مهاجمان و اوباشانی را که به مراکز آموزشی حمله کرده اند، برعهده دارد. حکومت هم چنین اعلام کرد مراکز فعالیت های سیاسی و حتی صنفی و ورزشی دانشجویان در دانشگاهها باید طرف سه روز تعطیل شود.

اشغال دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور، بخشی از تهاجم سراسری جدیدی است که برای تامین هدف های شکست خورده تهاجم سراسری مردامه سال گذشته و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما و سرکوب مبارزات رو به گسترش طبقه کارگر، دهقانان و سایر اقشار زحمتکش میهن ما طراحی شده است.

این تهاجم نشانه هراس نیروهای فشری از رشد نیروهای انقلابی و تلاش مذبوحانه طبقه سرمایه دار ایران برای جلوگیری از آگاهی روز افزون زحمتکشان و سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی آنان است.

اولین هدف این اقدامات ارتجاعی، جلوگیری از فعالیت های سیاسی و ترقی خواهانه دانشجویان معلمان، استادان و دانشآموزان است که در روند جنبش ضدامپریالیستی خلقهای ایران و آگاهی مردم نقشی چشمگیر دارند. منحرف ساختن مبارزات ضدامپریالیستی مردم و ایجاد تفرقه میان توده دانشجویان و دانشآموزان و معلمان که وحدت آنها در تحکیم صفوف مردم و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی ناتیری عظیم دارد، از جمله هدف هائی است که در تهاجم به دانشگاهها دنبال می شود.

علاوه از آنجا که تهاجم وسیع و همه جانبه ارتش و سپاه پاسداران علیه خلق کرد، هر روز دامنه وسیع تری به خود می گیرد و از آنجا که فعالیت افشاگرانه دانشجویان و دانشآموزان مشت دشمنان مردم را باز کرده و مانع بزرگی در ادامه سرکوب خلق کرد است، تهاجم علیه دانشگاهها و دیگر مراکز آموزشی و تعطیل آنها در دستور کار سرکوبگران قرار گرفته است.

مردم مبارز ایران!

طرح و اجرای حمله به دانشگاهها و مراکز آموزشی، درست زمانی آغاز شده است که مبارزات پیگیر زحمتکشان و نیروهای انقلابی علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریتا و منجدان داخلی آن، امپریالیسم امریکا را به قطع روابط دیپلماتیک با ایران واداشته و سرورت اتحاد عمل هر چه بیشتر نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست را بیش از گذشته مطرح ساخته است.

پرتوان باد جنبش انقلابی دانشجویان
در سراسر ایران
مستحکم باد پیوند و اتحاد جنبش انقلابی
دانشجویان با جنبش توده ای
مردم بزرگ امپریالیسم جهانی
به سرکردگی امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۵۹

کنفرانس لیبی،

اتحاد کمونیست ها و دیگر نیروهای ضد امپریالیست در عمل

● نیروهای شرکت کننده در جنبه پایداری که نماینده اقشار و طبقات مختلف هستند، در جریان مبارزه و در عمل دریافته اند که وحدت صفوف انقلابیون کمونیست و همه نیروهای ضد امپریالیست دیگر شرط ضروری و ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی است.

مبارزه ضد امپریالیستی مردم میهن ما بدون وحدت خلق های سراسر ایران و بدون اتحاد عمل همه نیروها، سازمان ها و جریانات ضد امپریالیست و پیروزی نمی رسد. کسانی که از یک طرف با اعزام کمیسیون تحقیق در مورد "موسی صدر" مخالفت می کنند و از طرف دیگر نخستین وظیفه خود را سرکوب خلق کرد می دانند، آنها که انقلابیون کمونیست، این پیگیرترین انقلابیون ضد امپریالیست را در کنار سرمایه داران قرار می دهند و به سرکوب و کشتار آنان رای می دهند، تیغ دولبه ای در دست دارند که در درجه اول و بطور عمده جنبه نیروهای انقلابی را دچار تفرقه می سازد و سد راه رشد آگاهی و آوجگیری مبارزات مردم میهن ما علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی آن می شوند.

نیروهای شرکت کننده در "جنبه پایداری" که نماینده اقشار و طبقات مختلف هستند، در جریان مبارزه و در عمل دریافته اند که وحدت صفوف انقلابیون کمونیست و همه نیروهای ضد امپریالیست دیگر شرط ضروری و ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی است.

هر نیرویی که بخواهد انقلابیون کمونیست را از مبارزه بر علیه امپریالیسم کنار بگذارد، چه رسد به اینکه سیاست سرکوب و کشتار آنها را پیشه کند، هر نیرویی که با شعارهای یوچ و بی معنی از قبیل شعار "نه شرقی، نه غربی" بخواهد از مبارزه مشترک اردوگاه سوسیالیسم، خلق های تحت سلطه و طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی بر علیه امپریالیسم جهانی، خود را کنار بکشد، بزرگترین ضربات را بر جنبش ضد امپریالیستی وارد می کند و خود در نهایت و بطور اجتناب ناپذیر حلقه نوکری امپریالیسم را بگوش می اندازد.

عمیقی که نسبت به آقای صدر قائلم و ایشان از دوستان اینجانب می باشند و تحقیق نسبت به امر ایشان را لازم می دانم ولی تذکر می دهم که در شرایط حساس قطع رابطه آمریکا با ایران از طرفی و تشکیل کنفرانس سران کشورهای جنبه پایداری سوریه، الجزایر، لیبی، یمن جنوبی و سازمان آزادیبخش فلسطین در لیبی به منظور تصمیم در مقابل اسرائیل و رژیم دست نشانده سادات از طرف دیگر، مطرح کردن موضوع فوق نتیجه ای جز تیره کردن روابط لیبی با ایران و برپا کردن جنجال سیاسی نخواهد داشت و قهرا به نفع امریکای جهانخواه تمام خواهد شد.

بدون شک اتحاد چنین موضعی در عرصه بین المللی به نفع مبارزات مردم ایران و علیه امپریالیسم جهانی است متحدین واقعی ما در پیکاری که با امپریالیسم و پایگاه های آن در پیش داریم اردوگاه سوسیالیسم، خلق های تحت سلطه امپریالیسم و طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی است که همواره از هرگونه مبارزه بر علیه امپریالیستها حمایت بی دریغ به عمل آورده اند. سیاست هایی که به اشکال مختلف این صف بندی را که از ضروریات عینی جهان امروز برمی خیزد، مخدوش می کنند، تنها آب به آسیاب امپریالیسم می ریزند. از این رو آن عناصر و جناح هایی از روحانیت که در عین اتحاد مواضع ضد امپریالیستی در جریاناتی مثل کنفرانس لیبی لیه نیز جمله زحمتکشان میهن ما را از پایگاه داخلی امپریالیسم یعنی طبقه سرمایه دار منحرف می کنند و به اشکال گوناگون تضادهای درون خلقی را تشدید می نمایند، چه بخواهند و چه نخواهند به تحقق نقشه های امپریالیستی یاری می رسانند.

واقعی خود را می شناسد و به سمت تحکیم پیوند مبارزاتی خود با آنان پیش می رود، به انحاء مختلف اعم از دامن زدن به توهم خطر به اصطلاح تجاوز کشورهای سوسیالیستی و یا تحریک احساسات میهن پرستی تنگ نظرانه در توده ها سعی در به انحراف کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی آنان دارد، در رابطه با کنفرانس لیبی نیز این تلاش های مذبحانه بوضوح به چشم می خورد. شورای انقلاب و عناصر مرتجعین چون "صادق طباطبائی" به عنوان مدافع منافع سرمایه داران با طرح اعزام کمیسینی برای تحقیق در مورد سرنوشت "موسی صدر" در واقع در صدد آن برمی آیند که حرکت ضد امپریالیستی کشورهای عضو جنبه پایداری را تحت الشعاع مسائل فرعی قرار دهند و به این ترتیب ذهن توده ها را در مورد عملکرد متحدین آنها در عرصه بین المللی آشفته سازند. کارگران و زحمتکشان ایران که در جریان مبارزات یکساله اخیر خود عملکرد سازشکارانه شورای انقلاب و مرتجعینی نظیر طباطبائی، قطب راده و... را در عمل تجربه کرده اند و دیده اند که چگونه اینان در جریان تسخیر مرکز جاسوسی به اشکال مختلف برای سازش با امریکا و تحویل بدون سروصدای گروگان ها تلاش می کردند، در جریان تشکیل و کار کنفرانس لیبی نیز یک بار دیگر مشاهده کردند که عناصر و محافل لیبرال مدافع سرمایه داری به حمایت از اعزام کمیسیون تحقیق در مورد "موسی صدر" برخاستند و تمام تلاش خود را برای خرابکاری در امر وحدت کشورهای منطقه علیه امپریالیسم بکار بردند. از طرف دیگر در مقابل کنفرانس اخیر "جنبه پایداری"، "آیت الله منتظری" در نامه ای خطاب به "آیت الله خمینی" می گوید: "اینجانب ضمن احترام

واژگونی رژیم دست نشانده انورالسادات، بروز حرکات سیاسی در عربستان سعودی به مثابه با ثبات ترین پایگاه امپریالیسم در منطقه خاورمیانه و... موقعیت خود را بیش از پیش در خطر می بیند، با انواع فشارهای اقتصادی و سیاسی با تقویت حضور نظامی خویش در منطقه و با متشکل نمودن دوستان و جاسوسان خود در داخل هر کشور سعی در تحکیم سلطه تجاوزکارانه اش دارد.

کنفرانس اخیر لیبی خود جزء و تجلی مبارزه ای است که اکنون در مقیاس جهانی بین خلق های تحت سلطه امپریالیسم، اردوگاه سوسیالیسم و طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی از یک سو و امپریالیسم بین المللی سرکردگی امریکا و رژیم های دست نشانده آن از سوی دیگر جریان دارد.

در این رابطه صف بندی نیروها در ایران و واکنش متفاوت آنها نسبت به اهداف تصمیمات و اقدامات کنفرانس که خود از قانونمندی های مبارزه طبقاتی تبعیت می کند، به نحو خوبی نشان می دهد که تلقی و میزان پیگیری هر یک از نیروهای داخلی در مبارزه ضد امپریالیستی از چه کیفیتی برخوردار است:

طبقه سرمایه دار ایران که سراپا وابسته به امپریالیسم است و بدون سلطه امپریالیسم موجودیت خود را ناممکن می داند با تمام قوا تلاش می کند تا از اتحاد عمل زحمتکشان ایران و خلق های منطقه در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا جلوگیری کند. طبقه سرمایه دار ایران که همواره از وحشت اوچگیری مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و ده بر علیه امریکا و مناسبات سرمایه داری برخوردار بوده است، اکنون که می بیند خلق ما در صحنه جهانی و در عرصه عمل هر روز بیش از روز پیش متحدین

کنفرانس سران کشورهای عضو جنبه پایداری - جمهوری دموکراتیک خلق یمن لیبی، الجزایر، سوریه و نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین که به دنبال تشدید تجاوزات امپریالیسم امریکا در منطقه خاورمیانه و بمنظور تحکیم صفوف کشورهای عضو در مقابل با این تجاوزات در روز بیست و چهارم فروردین در لیبی تشکیل شد. پس از دو روز با اتخاذ تصمیمات مهمی به کار خود پایان داد. جنبه پایداری به دنبال عقد قرارداد امپریالیستی - صهیونیستی کمپ دیوید و در مقابل جنبه امریکا، اسرائیل و مصر به وجود آمد تا از طریق تحکیم صفوف نیروهای ترقیخواه منطقه با نقشه های امپریالیسم و سیاست های رژیم ضد خلقی سادات بمتابه ژاندارم امپریالیسم مبارزه کند.

آخرین کنفرانس جنبه پایداری - کنفرانس لیبی - به موفقیت های بزرگی در زمینه تداوم این مبارزه دست پیدا کرد. نیروهای شرکت کننده در کنفرانس اخیر لیبی تصمیم گرفتند با ایجاد فرماندهی مشترک سیاسی - نظامی صفوف خود را در مقابل امپریالیسم هرچه بیشتر تحکیم بخشند. از دیگر تصمیمات کنفرانس تقویت روابط جنبه با اردوگاه سوسیالیسم، استفاده از نفت به عنوان یک سلاح سیاسی در مبارزه با تجاوزات امپریالیسم، حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی خلق های ایران، افغانستان و زحمتکشان جمهوری عربی صحرا است که بنوبه خود گام هایی قابل توجه در راه شکل هرچه بیشتر تمامی نیروهای ضد امپریالیست در منطقه خاورمیانه محسوب می شود. امپریالیسم امریکا که بر اثر مبارزات انقلابی مردم ایران، مبارزه عادلانه و روبه گسترش خلق فلسطین علیه تجاوزات امپریالیستی - صهیونیستی، مبارزه زحمتکشان مصر در جهت

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی نظامی،



قدم می خواهند بدانند

پشتیبانی وزارت کشور از سرمایه داران و گرفتن «توبه نامه های» آریامهری از کارگران و کارکنان مبارز

امپریالیسم کیست؟ چگونه می توان با گرانی و بیکاری و فقر مبارزه کرد؟ صدا و سیمای جمهوری اسلامی

بحث بر سر مسائل ایدئولوژیک را دامن می زند!

ما، مسئله زحمتکشان ما نیست. این مباحث اگر در کارخانه، کوچه و بازار و غیره از جانب هر نیرویی دامن زده شود صرفاً برای آن است که توجه مردم از مبارزه برای نابودی سلطه امپریالیسم و از میان بردن استثمار که ریشه فقر، بیکاری بیماری و همه درد ورنج های زحمتکشان است، منحرف شود. از همین رو است که ما دعوت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را که خواست حزب جمهوری اسلامی و نیروهای شبه آن است، رد می کنیم.

ما هرگونه بحث انحرافی که بخواهد به جای تحکیم وحدت میان صفوف مردم، اختلافات مذهبی و مسلکی میان مردم را دامن زند، و یا زحمتکشان مبین ما را به مذهبی و غیر مذهبی تقسیم کند و به هر ترتیب بحث بر سر چگونگی پیشبرد مبارزات صدا و سیمای جمهوری اسلامی و پیروزی مردم را به بحث های وحدت شکن و انحرافی تبدیل کند و اختلافات ایدئولوژیک و عقیدتی مردم را به وسیله ای برای ایجاد تفاق میان مردم تبدیل کند، قویاً محکوم می کنیم. ما از همه اعضاء و هواداران سازمان و همه نیروهای ترقیخواه می خواهیم که در هرکجا که هستند بگذارند مباحث انحرافی جای مباحث اصلی و لازم را بگیرد. ما اعلام می داریم که نیروهای سیاسی باید فرصت یابند نظرات خود را در خصوص مسائل مبرم مردم مثل مسئله گرانی، بیکاری، استثمار، اهمیت شوراها، اهمیت ارتش خلق و غیره چه در مناظره و بحث آزاد و چه بطور جداگانه از صدا و سیمای جمهوری اسلامی برای مردم تشریح کنند. بدون تردید مردم نیز خواستار آنند که با دیدگاه های نیروهای مختلف سیاسی هرچه بیشتر آشنا شوند. از این رو آمادگی خود را برای شرکت در مناظره، بحث آزاد و غیره در خصوص مسائل فوق اعلام می داریم.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و برخی از دیگر نیروهای سیاسی دعوت کرده است تا در بحث آزاد بر سر یک سلسله مباحث ایدئولوژیک شرکت کند. چنین دعوتی را صدا و سیمای جمهوری اسلامی قبلاً هم از ما و دیگر نیروهای سیاسی به عمل آورده بود و این در واقع تکرار همان دعوت پیشین بود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، پس از بررسی این دعوت نظر خود را به شرح زیر اعلام می دارد:

امروز مسائل مبرم مردم ما عبارتند از چگونگی از میان بردن گرانی، بیکاری، فقر، بیماری و بحران مسکن. امروز مسائل مبرم مردم ما عبارتند از چگونگی پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی، اهمیت شوراها در این مبارزات، اهمیت ارتش خلق، مسئله خودمختاری خلق ها، امروز مسئله مردم ما این است که چگونه می توان برای پیروزی بر امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن وحدت و اتحاد عمل لازم را به وجود آورد. اینها مسائل روز مردمند. مسائلی هستند که زحمتکشان در کارخانه و مزرعه، در کوچه و بازار، در مدرسه و دانشگاه و حتی در تاکسی و اتوبوس و معازه از آن حرف می زنند و با ادامه این مباحث شورانگیز آگاهی خود را که لازم رشد و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی مبین ما است، افزایش می دهند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران وظیفه خود می داند که با شرکت فعال در این مباحث که ضرورت مبرم مبارزات ضد امپریالیستی توده های مردم است، تا آنجا که در توان دارد آگاهی زحمتکشان را افزایش داده و زمینه های وحدت میان همه زحمتکشان و همه مردمی که علیه امپریالیسم مبارزه می کنند، با هر عقیده و مسلک و مذهبی که هستند فراهم کند. مباحث ایدئولوژیک، مسئله توده های محروم مبین

خواسته شده است: "چنانچه کلیه کارکنان توبه نامه بنویسند و خواست های خود را در روزنامه تکذیب کنند، احکام صادره بازنشستی کارکنان لغو و زندانیان آزاد می شوند."

چنین اعمالی تنها در وزارت کشور صورت نمی گیرد. در تمام وزارتخانه ها، ادارات و کارخانجات و ارش و دانشگاه ها، شوراها و مردمی و افراد انقلابی مورد هجوم واقع شده اند.

طبق نقشه شورای انقلاب باید کلیه این نهادهای انقلابی و مردمی برخاسته از قیام برجیده شوند تا آسان براحتی بتوانند نقشه سرکوبگرانه خود را در مورد خلق کرد و دیگر خلق ها عملی سازند تا بتوانند طبق قطعنامه تنظیم شده ملاحظاتی و حقوق خلق کرد را زیر "حج ناپالم و گازهای سمی وادار به اطاعت" از دولت بنی صدر نمایند. اگر سبادهای انقلابی وجود داشته باشد، این جنایات در پیشگاه خلق افشاء می گردد و توده ها درمی یابند که فرماندهان مزدور ارتش چه جنایاتی را در کردستان مرتکب می شوند. اکنون شورای انقلاب وارث زندان های شاه شده است. سرمایه داران و ساواکی ها و جنایتکاران رژیم سابق از زندان آزاد می شوند تا پایدهای حکومت بنی صدر را تحکیم بخشند و دسته - دسته کارگران شرکت فاستروپلریا لایسگاه آبادان - زحمتکشان درود و اندیشک و بندرعباس و خلق های تحت ستم کرد، ترکمن، عرب و بلوچ روانه زندانها شوند.

بنی صدر نماینده اگسرتی که بنی صدر در تاریخ ۱۷ فروردین برای شرکت در کنفرانس استانداران به وزارت کشور می آید کارکنان مبارز در جلوی در ورودی اجتماع کرده و خواستار آزادی زندانیان می شوند. بنی صدر با جمله "ار همه جریان وزارت کشور مطلع هستم" رسیدگی را به بعد موکول می کند و همانطور که جانبازان و قاتلین فدائیان خلق ترکمن و تمام باندهای سیاه و جاش ها را در کنف حمایت خود قرار داده، این بار نیز متغلبین و جنگ - افروزان را زیر چتر نظم و امنیت خود قرار داد و آنها را تشویق به زورگویی و تقلب بیشتری نمود. رئیس جمهور برای اینکه باردیگر با اجتماع کنندگان رودررو نگردد، موقع خروج از در اضطراری وزارت کشور خارج می شود. مهدوی کنی در جواب قطعنامه کارکنان مبارز، پیامی ارسال نمود که در آن از آنها

خود، لغو انتخابات دو مرحله ای و برکناری استانداران و بخشداران منتصب هاشمی رفسنجانی را خواستار شدند. مهدوی کنی با حربه کند شده "ضد انقلاب" به جنگ اجتماع کنندگان رفت و اعلام کرد - هیچ روزنامه نگار و یا خبرنگار رادیو و تلویزیون حق ورود و مصاحبه با اجتماع کنندگان در وزارتخانه را ندارد. پس از انتخابات مجلس، کارکنان بیانیه ای مبنی بر اعتراض به انتخابات تهیه و نمایندگان سید نفر از آنان نامه را امضاء و به مطبوعات ارسال می دارند. نامه به وسیله مهدوی کنی تکذیب می شود و به دنبال آن هفده نفر از کارکنان بارنستسته شده و سه نفر از نمایندگان شورای منتخب وزارت کشور دستگیر می گردند. آنان در زندان دست به اعتصاب غذا می زنند.

وقتی که بنی صدر در تاریخ ۱۷ فروردین برای شرکت در کنفرانس استانداران به وزارت کشور می آید کارکنان مبارز در جلوی در ورودی اجتماع کرده و خواستار آزادی زندانیان می شوند. بنی صدر با جمله "ار همه جریان وزارت کشور مطلع هستم" رسیدگی را به بعد موکول می کند و همانطور که جانبازان و قاتلین فدائیان خلق ترکمن و تمام باندهای سیاه و جاش ها را در کنف حمایت خود قرار داده، این بار نیز متغلبین و جنگ - افروزان را زیر چتر نظم و امنیت خود قرار داد و آنها را تشویق به زورگویی و تقلب بیشتری نمود. رئیس جمهور برای اینکه باردیگر با اجتماع کنندگان رودررو نگردد، موقع خروج از در اضطراری وزارت کشور خارج می شود. مهدوی کنی در جواب قطعنامه کارکنان مبارز، پیامی ارسال نمود که در آن از آنها

وزارت کشور طی یکسال گذشته نقش برجسته ای در پیشبرد سیاست های طبقه سرمایه دار و زمینداران بزرگ داشته است. وزیر این وزارتخانه که تمام استانداران و فرمانداران و بخشداران را منصوب می کند عملاً سیاست هایی را که منافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ ایجاب می کند، پیش می برد. اغلب استانداران انتصابی این وزارتخانه، هرکدام در استان تحت کنترل خود، دولتی تشکیل داده و همواره نقش جنگ افروزانه ای در مناطق مختلف کشور داشته اند.

کارکنان مبارز این وزارتخانه که نسبت به منافع توده های زحمتکش احساس تعهد می کنند، نمی توانستند نسبت به عملکرد مدافعین منافع سرمایه داران که تسلط کامل بر اکثر قریب به اتفاق پست های این وزارتخانه دارند بی تفاوت باشند و از خود واکنشی نشان ندهند. به ویژه در روزهای پیش از انتخابات و قبل از آن کارکنان مبارز شاهد تقلبات و سوء استفاده های وسیعی در امر انتخابات مجلس شورای ملی بودند.

به همین دلیل در تاریخ ۱۹ اسفند ماه ۵۸ کارکنان مبارز وزارت کشور در پی خواسته های مکرر خود نسبت به لغو انتخابات دومرحله ای مجلس شورای ملی و برکناری معاونان انتصابی هاشمی رفسنجانی (رضا زواره ای - شاپور) که خود کاندیدای مجلس شورای ملی بودند و همچنین جلوگیری از اخراج کارکنان مبارز و متعهد در نمازخانه گرد آمدند. تهاجم پاسداران و پلیس به دستور رضا زواره ای - معاون مالی و اداری وزارت کشور - متحصنین را پراکنده نمود. کارکنان مبارز این وزارتخانه مجدداً در تاریخ ۱۲ اسفند اجتماع نموده و در قطعنامه

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

نامه یک کارگر جوشکار به بنی صدر

رابطه "برادران مسلمان" بنی صدر و جاش های کردستان

این عقاید من است راجع به آقای بنی صدر. لطفا آن را در "کار" منتشر بکنید.

آقای بنی صدر می گوید کار بکنید، کار بکنید، ولی نمی گوید کدام طبقه بخورد. البته اینرا به ما نمی گوید ولی خودش می داند که کدام طبقه باید بخورد. کار کردن البته خوب است، همه باید کار کنند (اگر گیر بیایند) ولی حاصلش را کدام طبقه می خورد؟ یک کلمه هم در این مورد جواب نمی دهد. وقتی این آقا از خارج آمده بود شروع کرد به تبلیغات اقتصادی برای خودش. از جامعه بی طبقه توحیدی، از بهره کشی سرمایه داران، استثمار و استثمار صحبت زیاد می کرد. حالا که دیگر وضعیت خوب شده به مقصودش رسیده، به خیال خودش استثمار و استثمار دیگر معنی ندارد. دیگر موقع آن حرفها نیست. موقع کار است. کسی که کار نکند ضد انقلاب است. کسی هم که دنبال کار باشد اگر بخاطر بیکاری اعتراض بکند بازهم ضدانقلاب است. آنهایی که در خانه های چند میلیون تومانی زندگی می کنند و ماشین های آخرین سیستم زیرپایشان است و مسافرت های خارجی شان هم برقرار است، بهتر از همه می خورند و می پوشند و مانورهای غربی در خیابانها

می دهند، به اینها کسی نباید بگوید: ضدانقلاب! چون آقای بنی صدر هوایشان را دارد. آقای بنی صدر می خواهد با ضدانقلاب مبارزه کند، با آن بالائیها که کاری ندارد. پس کجا دنبال ضد انقلاب می گردد؟ در کارخانه ها، و مزرعه ها که زحمتکشان زیر فشار زیاد کار در گرما و سرما زحمت می کنند و عرق می ریزند. این آقا در اینجاها دنبال ضدانقلاب می گردد که بیشتر و بیشتر کار بکنند و دم نزنند و گرنه ضد انقلاب حساب می شوند. عمر متوسط یک کارگر ۴۰ سال است و عمر متوسط یک زالوصفت ۱۲۰ سال آقای بنی صدر از قاطعیت حرف می زند. خودش را زده به کوجه علی چپ! قاطعیتش یعنی چه؟ یعنی ارتش ضد خلقی را باز سازی کند و با قاطعیت تمام به جاش زحمتکشان بیندازد و بهترین فرزندان خلق و کارگر را قربانی ارتش بکند. سرمایه دارها هم که از خدا می خواهند وضعیتشان رو برآورد شود مثل سابق و برای همین هم از قاطعیت بنی صدر خیلی ممنون و خوشحال می باشند.

مرگ بر همه سرمایه داران داخلی و خارجی و همه بهره کشان دنیا

کارگر جوشکار - ب

دانشگاه و جنبش انقلابی دانشجویی با توده های میلیونی مردم پیوندهای عمیق و تاریخی دارد. پیوندهایی که ریشه در دفاع پیگیرانه و خونین دانشگاه و جنبش انقلابی دانشجویی از آرمان زحمتکشان ایران دارد.

"سازمان دانشجویان پیشگام"

بنی صدر می گوید: برادران مسلمان ما را در کردستان جاش می گویند. حال بیستم سوابق اعضای شورای رهبری پیشمرگان مسلمان کرد (جاش) و با برادران مسلمان بنی صدر در منطقه ثلاث باباخانی چیست؟

۱- شیخ عارف حسینی: شخص مذکور رئیس حزب رستاخیز "ازگله" مرکز بخش ثلاث باباخانی واقع در شهرستان پاوه و نماینده انجمن فرمایشی شهرستان پاوه بود. وی تا آخرین لحظات سقوط شاه مشغول توطئه و سخنرانی بر علیه مردم بود. در بهمن ماه ۱۳۵۷ قرار بود با مصطفی خان مسعودی از زاندارمری اسلحه بگیرد و به سرپل ذهاب حمله نماید که با سقوط رژیم نقشه این خائنین نقش بر آب شد. در ضمن مبلغ زیادی پول که در آن زمان برای احداث جاده به وسیله انجمن شهرستان در اختیار او قرار داده شده بود به جیب زد.

۲- مصطفی خان مسعودی: از فتودال های بزرگ و سران عشیره باباخانی و از ساواکی های معروف که چندین مدال افتخار از رژیم سابق دریافت داشته و افسر افتخاری بود. وی نیز تا آخرین لحظات به رژیم شاه وفادار بود. در ضمن از یاران سالار جاف معدوم بشمار می رود.

۳- حاج یوسف یوسفی: ساکن "شیخ صیله" از ساواکی های جنایتکار بوده است. وی نیز دارای مقام افسر افتخاری از رژیم شاهنشاهی بود و تا آخرین لحظات مشغول توطئه و بسیج چماق بدستان برای هجوم به شهر سرپل ذهاب بود. این شخص بسیاری از جوانان انقلابی را که در زمان رژیم شاه برای پیوستن به جنبش فلسطین قصد خروج از مرزهای ایران را داشتند،

دستگیر و به ساواک تحویل داده است. در شماره ۳ نه به "فریاد آزادی" (ارگان جاش های به اصطلاح مسلمان کرد) از این شخص بعنوان یک فرد مسلمان و انقلابی نامبرده شده است.

۴- شیخ زاهد نقشبندی: برادر شیخ عثمان نقشبندی و از وابستگان به دربار شاه خائن و رئیس شورای پیشمرگان مسلمان کرد، ثلاث باباخانی و از ساواکی های معروف که خود و خانواده اش سالها به تحقیق توده های زحمتکش کرد مشغول بودند. (این شخص هم اکنون در تماس با چمران مشغول جاشگیری در منطقه است).

۵- علی بیگ: پسر عمومی مصطفی خان مسعودی و از سران عشیره باباخانی است. این شخص بعد از اصلاحات ارضی شاه دو تن از رعیت های خود را کشت و به عراق گریخت. سال گذشته به ایران بازگشت و حالا اسلام پناه شده است.

۶- شیخ بهاء الدین حسینی: این شخص داماد شیخ هادی جلاد مردم قروه می باشد. از شروع قیام این شخص با شیخ هادی بود و به سرکوب مردم قروه مشغول بود و حتی ثلاث باباخانی و انقلابیون را تهدید به سرکوب و قتل عام می کرد. بعد از سقوط شاه به اتفاق شیخ هادی از قروه گریختند و به ازگله آمد. بعد از قیام در جریان جنبش مقاومت خلق کرد وی و شیخ عارف از رئیس های جوانمردهای زاندارمری ازگله بودند و بعد از آتش بس به سرپل ذهاب گریختند.

افراد فوق، اعضای مشورتی مسئول تماس با سپاه پاسداران کرمانشاه بودند که طرح مشترک حمله همزمان را به کامیاران و ازگله و جوانرود و دیگر نقاط کردستان تدارک دیده بودند.

حال مشخص است که بنی صدر در سخنرانی هایش از چه کسانی دفاع می کند. ایشان مردم دلاور کرد را مورد حمله قرار می دهند که چرا به برادران مسلمان کرد آقای بنی صدر جاش می گویند. روشن است که هیئت حاکمه که در میان خلق کرد پایگاهی ندارد درصد آن است که با تطهیر اعمال سنگین جاشها این مزدوران را وسیله پیاده کردن نقشه های سرکوبگرانه خود نماید و با گذاردن نام پیشمرگان مسلمان کرده بر آنها می خواهند ماهیت ضد خلقی این مزدوران وابسته به رژیم سابق و فتودال ها را استوار نماید. بنی صدر همانطور که بر سر فرماندهان مزدور و ساواکی های جنایتکار آب توبه ریخته و آنها را عناصر معقول و اصولی وانمود می کند، تلاش دارد تا از افراد فوق الذکر نیز پیشمرگان مسلمان و متدین بسازد و آنها را انقلابی جا بزند.

پایه های ریاست جمهوری بنی صدر با هر نوع افشاکاری از جنایتکاران رژیم سابق متزلزل می شود و به همین دلیل ایشان سرسختانه در مقابل هر نوع افشای مزدوران و جنایتکاران با قاطعیت عمل می کند. بنی صدر می خواهد پایه های کاخ ریاست جمهوری خود را بر همین فرماندهان مزدور و جنایتکاران ساواک و جاشها و باندهای سپاه و ... استوار نماید.

پیشمرگان مسلمان کرد که آقای بنی صدر در میتینگها از آنها دفاع می کند و از مردم می خواهد که برایشان تکبیر بفرستند، همین سرسپردگان به رژیم سابق هستند. خلق فهیمان کرد به اینان در هر لباسی که باشند جاش خواهد گفت.

بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



مسئله نان و سیاست‌های دولت

نان غذای اصلی زحمتکشان است. بخصوص در شرایط بحرانی و در مواقعی که گرانی مواد غذایی و ارزاق عمومی بالا می‌گیرد، ننان بیشتر و بیشتر جای سایر خوراکی‌ها را اشغال می‌کند و هرچه بیشتر تقاضای زحمتکشان در مصرف آن افزایش می‌یابد. به همین

آوردند که سرانجام سردار سپه به کمک نیروهای نظامی تظاهرات را سرکوب کرد و عده‌ای را دستگیر نمود. این قحطی‌ها و اعتراضات در دوره رضاخان مکرر پیش آمد و با سرکوب و کشتار روبرو شد پس از شهریور ۱۳۲۰ به سبب عواقب جنگ که عبارت از اشغال کشور، وجود ناامنی،

دولت با طرح خود نشان داد که نه تنها در جهت حل آن گامی برنداشته بلکه می‌خواهد و انمود سازد که کارگران نانوائی و نانواهای خرده‌پا که به تولید مستقیم در این رشته مشغولند، باعث گرانی نان هستند تا مردم را در مقابل آنان که بخشی از زحمتکشان جامعه را تشکیل می‌دهند، قرار دهند.

جهت در شرایط کنونی و در یکساله اخیر به سبب گرانی و نایابی ارزاق عمومی و سایر مواد غذایی، مصرف ننان زحمتکشان افزایش یافته صاحبان پول و مال با پرداخت پول بیشتر همان غذاهای رنگین خود را مصرف می‌کنند و کمبود نان برای آنان مسئله‌ای نبوده و نیست. کمبود نان همیشه با

رکود واردات و صادرات، احتیاجات متفقین، سوء استفاده محترمان بود، بار دیگر کمبود مزمن ارزاق به قحطی کشنده‌ای مبدل شد. دولت موقت که مدافع منافع سرمایه‌داران و فئودال‌ها و امپریالیسم انگلیس بود با اقدامات بی‌رویه خود این کمبود مایحتاج عمومی را دامن زد. بطوریکه وزیر دارائی دولت فروغی برای کمک به اربابان خود برخ رسمی لیره را بالا برد و بنابر تصویب نامه‌ای صدور مواد غذایی را از کشور آزاد ساخت و بدین ترتیب قحطی سال‌های ۲۱-۱۳۲۰ را سبب شد. از این رو در ۱۷ آذر ۲۱ در اثر فشار فقر و کمبود نان و خواروبار مردم در صفوف منظم با اعتراض به وضعیت نان به طرف مجلس حرکت کردند. ولی مزدوران شاه، زحمتکشان را در بهارستان و صحن مجلس که در آن اجتماع کرده بودند، به گلوله بستند و عده زیادی را کشته و زخمی کردند.

اکنون بار دیگر مسئله نان برای مصرف‌کنندگان زحمتکش مطرح شده است. به همین دلیل وزارت بازرگانی در صدد برآمد که این مسئله را به ظاهر به نفع "مستضعفین" حل کند ولی در عمل با طرح تصویب شده خود تنها به تثبیت گرانی نان کمک کرد و همچنان بر مشکل نان افزود و علاوه بر آن مشکلات جدیدتری برای زحمتکشان

۲۰ هزار کارگر نانوائی که در تهران به کار تهیه نان مشغولند، کارگرانی که به یکی از طاقت‌ناپذیرترین کارها مشغولند جزو محروم‌ترین زحمتکشان جامعه ما هستند و از حداقل نیازهای زندگی برخوردار نیستند.

قحطی مترادف بوده است و به دنبال خود شورش و طغیان توده‌ها را علیه ستمران همراه داشته است. ما شاهد بلواها و شورش‌های مکرری در زمینه نان و کمبود آن در تاریخ استعماری میهنمان بوده‌ایم. نمونه‌ای از این اعتراضات زحمتکشان، اعتراض ساکنان و بخصوص زنان جنوب شهر تهران در سال ۱۳۰۴ و دوره نخست - وزیر سردار سپه (رضاخان) بوده است. در مهرماه همین سال زحمتکشان همراه با زنان چادر به کمر بسته به مجلس (مجلس چهارم) حملیه

نانوائی‌ها را می‌خرند. برای همین چند دست شدن است که اون نانوا مجبوره که گران بفروشه. دولت با گران کردن گندم بدون برنامه ریزی دقیق و فعالیت واسطه‌ها و توزیع دقیق سهمیه‌ها در هر منطقه نخواهد توانست این مشکل را از بین ببرد، اما دولت با طرح خود نشان داد که نه تنها در جهت حل آن گامی بر نداشته بلکه می‌خواهد و انمود سازد که کارگران نانوائی و نانواهای خرده‌پا که به تولید مستقیم در این رشته مشغولند، باعث گرانی نان هستند تا مردم را در مقابل آنان که بخشی از زحمتکشان جامعه را تشکیل

چه مصرف‌کننده و چه تولید کننده بوجود آورد. طرح وزارت بازرگانی به این ترتیب بود که سهمیه آرد هر نانوائی از ۳۶۰ کیلو به ۳۹۰ کیلو افزایش یابد و نانوائی‌های مجاز بربری، تافتون و سنگک می‌توانند تا این مقدار گندم با قیمت هر کیلو ۷/۵ ریال دریافت دارند و به نانوائی‌های لواش پزی، گندم با قیمت ۱۸ ریال تا ۶۰۰ کیلو فروخته خواهد شد که با در نظر گرفتن حق آرد کردن گندم، این افزایش قیمت آرد نه تنها نمی‌تواند (و عملاً نتوانست) در خدمت سیاست کاهش قیمت نان باشد بلکه قیمت آن را افزایش داد. یک نانوائی لواش پزی می‌گفت: " برای آن نان را گران تر می‌فروشم که قبلا آرد را می‌خریدیم هر کیلو ۹ ریال، حالا می‌خریم ۲۵ ریال! چاره‌ای جز این نداریم."

حال اگر این سیاست را در رابطه با نقش واسطه‌ها در نظر بگیریم، خواهیم دید که از دیاد سهمیه تنها به حاد شدن اوضاع کمک کرده است. چه واسطه‌ها بخش اعظم سهمیه نانوائیان را خریداری می‌کنند و یا نانوائیان زیادی هستند که معازنه‌های نانوائی را از واسطه‌ها اجاره کرده‌اند و به ناچار مبلغی را که به واسطه می‌پردازند، بر قیمت نان اضافه می‌کنند. از این جهت وجود واسطه‌ها باعث گران تر شدن نان در بازار می‌شود.

وجود همین واسطه‌ها قیمت آرد را در بازار آزاد به هر کیلو ۳۳ ریال رسانده و عده زیادی از نانواهای تهران که به کار مستقیم مشغولند و سهمیه مجبور به تهیه آرد به قیمت گران در بازار آزاد یعنی خرید آن از واسطه‌ها همانطور که یک نانوائی بربری می‌گفت: " دکمان نانوائی بدون سهمیه در تهران زیاد است و اغلب همین‌ها هستند که نان را گران می‌فروشند، چون که مجبورند آرد را گران بخرند سهمیه که ندارند از بنگاه می‌خرند که باز هم خود بنگاه‌ها اضافه سهمیه بعضی

این امر کارگران خبازی را با خطر بیکاری روبرو خواهد ساخت چرا که با تغییر و تبدیل نانوائی‌ها در پی کسب سود بیشتر، کارگران و شاطرهائی که سال‌ها در نوع معینی از پخت نان کار نموده و تخصص پیدا کرده‌اند، دیگر قادر نیستند نوع دیگری نان پخت کنند و یا به همان خوبی کار خود را انجام دهند.

بدین ترتیب ۲۰ هزار کارگر نانوائی که در تهران به کار تهیه نان مشغولند، کارگرانی که به یکی از طاقت‌ناپذیرترین مشغولند، جزو محروم‌ترین زحمتکشان جامعه ما هستند و از حداقل نیازهای زندگی برخوردار نیستند، کارگرانی که از مزایای بیمه برخوردار نیستند، از مرخصی با حقوق محرومند، از دستمزد کمی برخوردارند، ساعات طولانی در روز در شرایطی طاقت‌فرسا

یکی از نمایندگان اتحادیه کارگران خباز گفت: " کارگران خباز در جریان انقلاب به زیر رگبار مسلسل دژخیمان رژیم منحط پهلوی کار کردند تا مردم بتوانند نان مورد نیازشان را تهیه و به مبارزه ادامه دهند و حال که انقلاب ما پیروز شده است، مسئولان مربوطه طرحی را به مرحله اجرا گذاشته‌اند که موجب خواهد شد هزاران کارگر خباز در معرض خطر بیکاری قرار گیرند."

مجبور به کاراند و صبح هنگام زودتر از همه به کار می‌روند و شب هنگام دیرتر از همه دست از کار می‌کشند. این کارگران به سبب طرح دولت با خطر بیکاری روبرو می‌شوند دولت به جای پاسخ گوئی به مسائل آنان، با طرح خود به مشکلات آنان و نگرانی آنان افزوده است. یکی از نمایندگان اتحادیه کارگران خباز ضمن اشاره به این موضوع گفت: " کارگران خباز در جریان انقلاب به زیر رگبار مسلسل دژخیمان رژیم منحط پلوی کار کردند تا مردم بتوانند نان مورد نیازشان را تهیه و به مبارزه ادامه دهند و حال که انقلاب ما پیروز شده است، مسئولان مربوطه طرحی را به مرحله اجرا گذاشته‌اند که موجب خواهد شد هزاران کارگر خباز در معرض خطر بیکاری قرار گیرند."

تمامی این مسائل نشان می‌دهد که طرح وزارت بازرگانی که در پشت درهای بسته و بدون توجه به بقیه در صفحه ۱۳

می‌دهند، فرار دهد. همانطور که نانوائیان در اجتماع خود مطرح کردند، خواستار آن بودند که " ۱۲ نفر از نمایندگان نانوائیان در جلسه بحث آزاد با رئیس جمهور شرکت کرده تا نشان دهند که این‌ها نیستند نان را گران می‌فروشند بلکه این سیاست غلط دولت است که باعث گرانی نان می‌شود." از جمله دیگر مشکلات آفریده شده برای زحمتکشان از جانب طرح بی‌رویه وزارت بازرگانی، لغو ممنوعیت حق تبدیل است که بنا به آن هر نانوا می‌تواند معازنه خود را به پخت هر نوع نان که بخواهد اختصاص دهد، نتیجتاً علاوه بر آن که افزایش تولید لواش که قیمت آن گران تر است، مستقیماً به ضرر خریداران زحمتکش آن خواهد بود. این مسئله باعث می‌شود که نانوائی‌های غیر از لواش نوع پخت خود را تغییر دهند و همین امر خود به نایابی نان مصرفی بیشتر زحمتکشان که از نوع بربری و سنگک می‌باشد، منجر شود.

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

کارگران شرکت پاتاق هاریسون متشکل می شوند

عیدی سالانه شان می شوند بلکه مهمتر از آن موفق می شوند شورایی تشکیل دهند که اعتراضات پراکنده کارگران را یکپارچه و متمرکز کرده و قاطعانه به پیش برد. تشکیل این شورا قدمی است در جهت تحقق هدفهای انقلابی کارگران و تقویت و تحکیم صفوف متحد طبقه کارگر در مقابل طبقه سرمایه دار و عواملش. شورای کارگران پاتاق... هاریسون اکنون پس از دریافت عیدی سالانه دیگر خواستهای کارگران (هزینه مسکن، خواروبار، حق اولاد و...) را طرح نموده و پیگیرانه در جهت کسب آن مبارزه می کند.

کارگران شرکت های ساختمانی پاتاق... هاریسون (کارگاه هوانیروز اصفهان) به دنبال طرح خواستشان (عیدی سالانه و...) و عدم توجه کارفرما به این خواستها، از روز ۱۷ فروردین بطور یکپارچه دست به اعتصاب می زنند. در جریان این اعتصاب که پس از ۴ روز به نتیجه می رسد، کارگران به روشنی در می یابند که برای تحقق دیگر خواستهایشان به اتحاد و شکل پایدارتری نیاز دارند و در نتیجه با انتخاب ۵ نماینده از میان خود شورای خود را تشکیل می دهند. بدین ترتیب در جریان این مبارزه کارگران نهایتاً موفق به دریافت

کارگر قالیباف:

دردها ما کارگرها و کشاورزها دوستدار

فدائیان هستند و اربابها دشمن فدائیان

و هر وقت به دهکده می آیند از ما طرفداری می کنند و می گویند که اربابها باید از بین بروند. ما هم می بینیم که حرف دل ما را می زنند و ما هم طرفدار آنها می شویم در دهکده اربابها دشمن فدائی و کارگرها و کشاورزها دوستدار فدائی هستند. یکی دیگر از کارگران می گوید: "آقای استاندار قرار بود که شما به قالیبافها وام بدهید. چه شد؟ کارگاه را نگاه کن! آب باران داخلش جمع شده، خر نمی تواند اینجا زندگی کند." استاندار:

"صبر کنید. پول زیاد است. پول از ما. کار از شما. همه چیز را درست خواهیم کرد و شرکت تعاونی درست خواهیم نمود. چشم استاندار روی جمله "درود بر فدائی" بود. دختر بچه ای با آهنگ بافتن قالی آواز می خواند: زحمتکش انسانا من فدائیم... استاندار پکر از کارگاه بیرون رفت.

روز پنجشنبه ۱۴ فروردین استاندار مازندران به دهکده "قاضی جهان" از توابع گرگان رفت و بعد از سخنرانی در مسجد وارد یک کارگاه قالیبافی شد. به محض ورود چشم استاندار به دار قالی افتاد که روی آن نوشته شده بود:

"درود بر فدائی"
استاندار با لحنی جدی از کارگر پشت دار پرسید:
رفیق! شما فدائیی هستید؟
کارگر جواب داد:
"خیر ما قالیباف هستیم" استاندار:

"پس چرا درود بر فدائی نوشته اید؟"
کارگر قالیباف:
"من خودم نوشته ام. در اینجا اربابها که به ما ظلم می کنند و زور می گویند همیشه به فدائیان فحش می دهند. و مرگ بر فدایی می نویسند و ما هم چون مخالف اربابها هستیم از فدائیان حمایت می کنیم و درود بر فدائی می نویسیم. ما چند آشنا در شهر داریم که فدائی هستند

راهیمائی کارگران دخانیات ساری برای اعتراض به دستگیری نمایندگانشان

راهیمائی می زنند. کارگران با شعار:
"اتحاد، اتحاد، کارگران آزاد باید گردند" اعتراض و خشم انقلابی خود را نسبت به دستگیری نمایندگانشان نشان دادند. در نتیجه مذاکره بین کارگران و مسئولین دادگاه انقلاب، مسئولین می پذیرند که سرعاً مسئله را مطابق خواست کارگران حل نمایند.

را وادار کردند که آنها را دوباره بر سر کار بازگردانند ولی در تاریخ ۹ فروردین هنگامی که این کارگران برای رسیدگی به کارشان به سپاه پاسداران مراجعه می کنند بار دیگر (این بار بعنوان "ضد انقلاب") بازداشت می شوند. خبر دستگیری آنها کارگران را بسیار خشمگین می کند. کارگران در محل کارخانه اجتماع کرده و به طرف "دادگاه انقلاب" دست به

روز شنبه ۹ فروردین سپاه پاسداران ساری سه تن از نمایندگان کارگران مبارز دخانیات ساری را بازداشت کرد. این سه تن چند ماه قبل توسط کارورمای دخانیات ساری اخراج شده بودند ولی بر اثر اعتراض پیگیرانه شان به این اخراج خودسرانه توسط کارفرما و همچنین پشتیبانی و حمایت اکثریت کارگران فصلی از آنها "مقامات مسئول" استانداری

سرکوب و کشتار کارگران و دیلمه های بیکار در ماهشهر

رئیس سپاه پاسداران و نماینده امام با توسل به دروغ و ترویج توجه مردم را از علل واقعی کشتار و سرکوب بیکاران منحرف نموده و برای آنکه بر عجز خود در پاسخ دادن به خواستهای مردم سرپوش بدهد، نیروهای متری را مسبب این فاجعه قلمداد کردند، به نحوی که گروهی از مردم تحریک شده متعاقب آن به دهکده ها و کتابفروشیها حمله کرده و آنها را به آتش کشیدند.

پاسداران به صف کارگران و دیلمه های بیکار که برای اعتراض به خبر صدا و سیما جمهوری اسلامی دایر بر عدم پرداخت عیدی به بیکاران طرف اداره مخایرات در حرکت بودند، تیراندازی می نماید که منجر به شهادت دوتن از بیکاران می شود و به این ترتیب مسئولین امر مسئله عیدی کارگران بیکار را در ماهشهر "حل" می کنند.

در تاریخ ۱۰ فروردین طبق صورتجلسه ای با حضور فرماندار، رئیس شهرتاسی، رئیس سپاه پاسداران و نمایندگان کارگران و دیلمه های بیکار قرار می شود فهرستی از اسامی بیکاران جهت پرداخت عیدی به آنها تهیه شود. اما پس از مدتی که از این توافق می گذرد فرماندار از اجرای طرح خودداری میکند. در روز دوشنبه ۱۸ فروردین سپاه

توطئه مشترک کارفرما و استاندار علیه شورای کارخانه قند ارومیه

فروش برساند. ولی مسئولان دولتی با کارشکنی و سنگ اندازی جلوی این حرکت شورا را می گیرند. آنان برای حفظ منافع سرمایه داران و پیشبرد سیاستهای ضد کارگری شان این تصمیم شورا را "اخلالگری" قلمداد کرده و اجازه فروش محصول کارخانه را که حاصل دسترنج خود کارگران است، نمی دهند. کارگران مبارز قند ارومیه ضمن تاکید بر لزوم همبستگی و یکپارچگی همه کارگران (دائم و موقت) در برابر توطئه های تفرقه افکنانه عوامل سرمایه دار و استانداری ارومیه سیاستهای ضدشورائی و ضدکارگری "مسئولان دولتی" (حفتگو و...) را افشا نموده و به مبارزه پیگیرانه شان جهت تحقق خواستهایشان ادامه می دهند.

کار که قبلاً در برابر خواستهای کارگران کارشکنی می کرد سرانجام در اثر مبارزه پیگیرانه و یکپارچه کارگران مجبور به پذیرش خواستهای کارگران گردید ولی استاندار (حفتگو) تاکنون برای پرداخت حقوق و مزایای کارگران موقت وام مورد درخواست کارخانه را نپرداخته و بدین ترتیب موجبات توطئه گری سرمایه دار را بر علیه کارگران فراهم آورده است. عوامل کارفرما این امر را نشانه عدم صلاحیت شورای کارخانه در پاسخ به خواست کارگران موقت جلوه داده و سعی در تفرقه افکنی بین شوراها و کارگران فصلی را دارند. شورای کارخانه تصمیم می گیرد برای پرداخت مزد عقب افتاده کارگران موقت در صورتی که استانداری از پرداخت وام خودداری نماید قند و شکر تولید شده را به

کارگران فصلی کارخانه قند ارومیه، دوماه است که برای گرفتن حقوق و مزایای عقب مانده شان به اداره کار و استانداری شکایت کرده اند اما مسئولان دولتی تاکنون به خواستهای آنان پاسخ نداده اند. اکنون که در اثر مبارزات پیگیرانه کارگران (دائم و فصلی) بخشی از سرمایه کارخانه ملی شده و کارگران دائم این کارخانه با تشکیل شورای کارخانه، نظارت بر امر تولید و توزیع را بعهده گرفته اند، عوامل کارفرما و عمالش با توطئه جینی سعی در انحلال شورای کارخانه را دارند. آنها با ترویج و دسیسه سعی دارند شورای کارخانه را در مقابل کارگران فصلی قرار داده و باعث تضعیف و انحلال آن شوند تا راه برای بازگشت عوامل مزدور سرمایه دار (حاجی طرخانی) به کارخانه باز شود. اداره

استقلال - کار - مسکن - آزادی

سازمان پیکار و ...

بیگانه با توده‌ها و کسب اعتماد توده‌ای

مدتهاست که در بسیاری از کارگاهها و کارخانه‌ها شاهد اخراج دسته‌جمعی و یا انفرادی کارگرانی هستیم که تحت عناوین مختلف (عمدتاً بعنوان "اخلالگر ...") صورت می‌گیرد. این موج اخراج اخیراً ابعاد تازه‌ای یافته است. در اغلب این موارد این اخراج بر زمینه یک صفتبندی تبعیض آمیز (کارگران "قدیم" و "جدید") که زمینه مناسبی برای توطئه‌گری‌های ضد کارگری سرمایه‌داران است عملی می‌شود و اخراجی‌ها معمولاً از کارگران "جدید" اند. (یعنی کارگرانی که طی یکی دو سال اخیر به محیط کارخانه پا گذاشته‌اند). بسیاری از این کارگران در کم و کیف مبارزات کارگری بر علیه سرمایه‌داران سهم قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند، از اینرو چگونگی رابطه و نحوه برخورد آنان با سایر کارگران و همچنین رهنمودهایی که به توده کارگران می‌دهند، در رابطه با سهمی که این "رهنمودها" در دامن زدن به صفتبندی‌های تبعیض آمیز سرمایه‌داران و اخراج کارگران دارد، باید مورد بررسی قرار گیرد. در اینجا بحث ما بررسی علل کلی و جنبه‌های اصلی مسئله اخراج کارگران (یعنی بررسی بحران اقتصادی - سیاسی موجود و سیاست‌های ضد کارگری حاکمیت و همچنین این مسئله که کارفرمایان تا چه اندازه و چگونه سعی دارند با انواع توطئه‌ها کارگران آگاه را از توده کارگران منفرد سازند) نیست. بحث ما پیرامون وجه مکمل آن شرایط و سیاست‌هاست. یعنی بررسی سهمی است که "رهنمودهای" خیرخواهانه عناصر آگاه در دامن زدن به مسئله اخراج داشته و دارد. "رهنمودهایی" که به سرمایه‌داران این اجازه را داده است که بتوانند به آسانی این کارگران را از توده کارگران تحت عناوین "جدید" و "قدیم"، "کمونیست" و "مسلمان" و ... متمایز و منزوی کنند. بحث بر سر الفبای پیوند آگاهی سوسیالیستی با جنبش کارگری است. کارگران "جدید" طی یکسال اخیر بیشتر از دیگر کارگران حاملین این آگاهی و درگیر اشاعه آن در میان توده کارگران بوده‌اند و نحوه ارتباطشان روشنتر بخشی از انحرافات موجود در جنبش کمونیستی نیز هست. لنین در رابطه با این مهم (امر پیوند آگاهی سوسیالیستی با جنبش کارگری) دو درس ساده و در عین حال بسیار مهم به ما می‌دهد:

۱- ریستن در میان توده‌ها، شناختن روحیات آنها، درک توده‌ها و کسب اعتمادشان
۲- این وظیفه که "عمل مستقیم و تجربیات مشخص توده‌ها را مبنای اتخاذ تاکتیک‌هایمان قرار دهیم"

اینهاست خطوط اصلی و پایه‌ای برای پیوند صولی با فرمولی ساده و بی‌اندازه مهم برای تحکیم توده‌ای سیاست‌های ما، و اهرمی برای فرو ریختن دیوارهای حائل بین روشنفکران انقلابی و توده‌ها. تجربه چند ماه اخیر بسیاری از محافل و گروه‌های مدعی سازماندهی مبارزات کارگری، این اصول اولیه را به نحو نمایانسی خدشه‌دار کرده است. به عنوان نمونه در بسیاری از کارخانه‌های غرب تهران و در بعضی از کارخانه‌های دیگر، یکی از علل اخراج‌های دسته‌جمعی و یکی از موجبات موفقیت

سرمایه‌داران در ایجاد اختلاف و شکاف بین کارگران، زیر پا نهادن همین درس‌های اولیه لنینی بوده است. در پاره‌ای از این موارد پس از یک حرکت اعتراضی چپ روانه و شکست آن، علاوه بر آنکه کارگران اعتراضی شدیداً احساس انفعال و سرخوردگی نموده‌اند، فراتر از آن، "سازماندهندگان" آن حرکت را بعنوان "فریبکار" منزوی نموده‌اند.

... بتدریج تعدادی از آنها (کارگران اعتراضی) یا دادن تعهد به سرکار برمی‌گردند. کارگرانی که به داخل برمی‌گردند می‌گویند: اینها ما را اغفال کرده بودند. (آیا این دردناک نیست؟! در برخی از موارد این رفقا به تاکتیک‌هایی توسل جستند که موجب انزوای کاملشان از کارگران شده تا حدی که توده کارگران در مقابل اخراج آنها به وسیله سرمایه‌دار، عکس‌العملی کاملاً موافق نشان داده‌اند. در یک کارخانه، متعاقب

طبقه کارگر قبل از آنکه با کمونیسم آشنا شود، با کمونیست‌ها (از طریق تاکتیک‌های مبارزاتی‌شان) آشنا می‌شود و لازمه اعتماد اولیه‌اش به شیوه‌های عملی مبارزه کمونیست‌ها است.

تحصن چند تن از عناصر آگاه! (برای مقابله با توطئه کارفرما و اخراج دو تن از کارگران "جدید") ناگهان می‌بینیم که "حرکت اعتراضی" این چند نفر، حرکت اعتراضی توده کارگران را (البته در جنبه مقابلش) برمی‌انگیزد:

"گروهی از کارگران بعنوان اعتراض به تحصن این عده و برای اخراج‌شان، دست از کار کشیده و جلوی دفتر جمع می‌شوند. و کارگران متحصن را از کارخانه بیرون می‌کنند" "کارگران در پشت شیشه‌های ناهار خوری روی کاغذهایی نوشته بودند "ما برای اخراج شماها متحدمیم"!!

سازماندهندگان (تعالیم) لنینی را مو به مو بکار بسته‌اند: "ایجاد حرکت توده‌ای"، "متحد کردن توده کارگران در جنبه مقابل" و بالاخره ایجاد "صف مستقل" (بیرون کارخانه). لنین همواره هشدار می‌داد که:

"در شرایط مشخص باید به آن شکل مناسب از مبارزه توسل جست که بتواند حداکثر نتایج را جهت تسخیر مواضع جدید از بورژوازی و ایجاد بیشترین انسجام و اتحاد کارگری به دست دهد."

(لنین، سندیکای طبقاتی). ولی در اینجا می‌بینیم که رفقا با دامن زدن به امر اخراج کارگران (به ویژه کارگران آگاه) نه تنها انسجام صفوف کارگری را خدشه‌دار کرده و به امر ارتقاء آگاهی و تشکل کارگران صدمه می‌زنند و نه تنها مواضع جدیدی از بورژوازی را به تصرف در نمی‌آورند بلکه سنگرهای خودشان را نیز خالی

کرده و به بورژوازی تسلیم می‌کنند. از آنجا که این مسئله، مشکل یک کارخانه یا چند کارخانه معدود نبوده و در مقیاسی وسیعتر مطرح شده است، باید بدان توجه جدی‌تر شود. چه، جنبش کمونیستی ایران در شرایطی است که روز بروز بار بیشتری از کل جنبش ضد امپریالیستی-دمکراتیک توده‌ها را بر دوش می‌گیرد. و در امر پیشبرد این مبارزه خطیر نقش فزاینده‌ای می‌یابد. این امر جنبش کمونیستی را بر آن می‌دارد تا بیش از پیش با ضوابطی به مراتب سختگیرانه‌تر و مسئولانه‌تر از گذشته، کیفیت رابطه بین آگاهی سوسیالیستی و جنبش کارگری ایران را بررسی نماید و با هرگونه انحراف در سیاست‌های کارگری (از رفرمیسم خرده بورژوازی "توده‌ای‌ها" گرفته تا اکونومیسم و آنارشیزم فزاینده سایر گروه‌ها) و همچنین چپ‌روی‌های کودکانه کسانی که امر پیوند اصولی جنبش کمونیستی و کارگری ایران را خدشه‌دار می‌سازد، به نحو قاطعانه‌ای برخورد نماید. آنچه که در بالا بدان اشاره کردیم یکی از عوارض بلاواسطه چپ‌روی در سیاست‌های کارگری است که طی چند ماه اخیر بر جنبش بسیاری از گروه‌های مدعی "پیکار و مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر" مستولی بوده و هست. سیاست‌هایی که با مسئله "درک توده‌ها و کسب اعتماد توده‌ای" اساساً بیگانه بوده و قادر نیست بانکای سلاح کسب اعتماد توده‌ای، دیوارهای حائل بین کارگران "قدیم" و "جدید"، "مذهبی" و "غیرمذهبی" و ... را درهم ریزد. بسیاری از کارگرانی که در محیط کارشان با هویت مشخص کمونیستی به نمایندگی شوراها و سندیکاها رسیده‌اند و قویا نیز مورد پشتیبانی توده کارگران بوده و هستند، کمونیست‌ها باید بر پایه کسب اعتماد توده‌ای به هویت کمونیستی‌شان تعیین بخشند. مسئله پایه‌ای یعنی حلقه اتصالی و "تلفیق" آگاهی سوسیالیستی با جنبش کارگری، بر کسب اعتماد توده‌ای استوار است. طبقه کارگر قبل از آنکه با کمونیسم آشنا شود، با کمونیست‌ها (از طریق تاکتیک‌های مبارزاتی‌شان) آشنا می‌شود و لازمه اعتماد و تجهیز او به کمونیسم همین اعتماد اولیه‌اش به شیوه‌های عملی مبارزه کمونیست‌هاست. چون کمونیست‌ها حاملین آن آگاهی هستند و این آگاهی با ظرفیت و توان عیناً موجود طبقه کارگر گره می‌خورد و پایه‌ای آن مادیت می‌یابد: مادامی که پیشرو ایمان و اعتماد داشتن به توده‌ها را درک نکند، قادر به پیوند آگاهی با عینیت مبارزه نیست و قبل از آنکه توده به پیشرو اعتماد کند، پیشرو باید به توده‌ها (به قدرت و حقانیتش) اعتماد کند و با اتکا به این نیرو گام بردارد. پیشش محفلی و گروهی، مدعیان رهبری مبارزات کارگری این مسئله را درک نمی‌کند، هر چند ضرورتش را به خوبی از بر کرده باشد. این پیشش همچنانکه به گرات می‌بینیم، به جای آنکه عمل مستقیم توده‌ها و تجربیات مشخص و توان عیناً موجود آنها را در یک حرکت تاکتیکی، مبنای اتخاذ تاکتیک‌هایش قرار دهد، عموماً ذهنیات شتابزده خویش را اساس تاکتیک‌هایش قرار می‌دهد. و در بسیاری از موارد می‌کوشد با طرح جزئی‌ترین خواست‌ها و با توسل به کوچکترین ناراضی‌ها کارگران را به مبارزه به شیوه مورد قبول خودش

بقیه در صفحه ۱۳

مردم همین ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

بمناسبت یکصد و دهمین سالروز تولد لنین آموزگار بزرگ کارگران و زحمتکشان سراسر جهان

در کردار به آموزش های لنین وفادار مانیم!

"دو گروه مارکسیست وجود دارند. هر دوی آنها تحت لوای مارکسیسم کار می کنند و خود را "تمام عیار" مارکسیست می دانند. معذالک آنها بهیچوجه با یکدیگر شباهتی ندارند. علاوه بر این، دره عریضی آنها را از هم جدا می کند. زیرا اسلوب کار آنها در دو قطب مخالف قرار دارد. گروه اول معمولاً به قبول ظاهری و اعلام پرطمطراق آن اکتفا می کند. این گروه بدون اینکه قادر یا مایل باشد به کنه مارکسیسم پی ببرد و بدون اینکه قادر یا مایل باشد آن را در زندگی اجرا نماید، اصول زنده و انقلابی مارکسیسم را به فرمول های مرده و گنگ بدل می سازد. پایه فعالیت آنها تجربه ویا در نظر گرفتن کارهای عملی نیست. بلکه نقل قول هائی از مارکس است. تعلیمات و دستورات را از مشابهات و قریبه سازی های تاریخی کسب می نماید نه از تجربه و تحلیل دائمی از سرنوشت، سرنوشتی که غالباً برای این گروه کارشکنی می نماید و آنها را "بور می کند" از اینجا سرچشمه می گیرد. نام این گروه منشویسم (در روسیه)، اپورتونیسم (در اروپا) است. رفیق نیشکو (یوگوسلاوی) در کنگره لندن با ذکر اینکه این گروه بر نقطه نظر مارکسیسم نایستاده بلکه کم داده است، بطرز صائبی این گروه را توصیف نموده است.

گروه دوم برعکس، مرکز نقل قضایا را از قبول ظاهری مارکسیسم به مرحله عمل و اجراء آن در زندگی منتقل می نماید. تعیین آنچنان وسایل و طرق عملی کردن مارکسیسم که با اوضاع مناسب باشد، تغییر این طرق و وسایل هنگامی که اوضاع تغییر می کند، اینها نکاتی است که این گروه عمده توجه خود را بدان معطوف می دارد. این گروه دستورات و تعلیمات را از بررسی شرایط محیط کسب می کند نه اینکه از مشابهات و قریبه سازی های تاریخی. پایه فعالیت وی منکی برنقل قول ها و کلمات قصار نیست بلکه بر تجربه عملی است که صحت هر قدم خود را با تجربه مورد واری قرار می دهد. از اشتباهات خود پند می گیرد و ساختن زندگی نوین را به دیگران می آموزد. به همین دلیل هم هست که در فعالیت این گروه گفتار با کردار مغایرت ندارد و آموزش مارکس هم با تمام نیروی زنده و انقلابی آن حفاظت می شود. گفتار مارکس که طبق آن مارکسیست ها نمی توانند به تعبیر جهان اکتفا نمایند و باید از این گامی فراتر نهاده و آن را تغییر دهند، کاملاً درباره این گروه صدق می نماید. نام این گروه بلشویسم، کمونیسم است. سازمان شده و پیشوای این گروه و ای. لنین است. (رفیق استالین) رفیق لنین رهبر و آموزگار کارگران و زحمتکشان جهان، ادامه دهنده و تکامل دهنده تئوری مارکسیسم است. او آموزش های مارکس و انگلس را در زمینه تئوری انقلابی در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاریائی تکامل بخشید و با تحلیل مشخص از جامعه روسیه نشان داد که این کشور حلقه ضعیف سیستم امپریالیسم بوده و انقلاب دیربازود در آنجا رخ خواهد داد آموزش های لنین پرچم رزم پرولتاریای روسیه و کارگران جهان گردید و انقلابات سوسیالیستی

جهان را هدایت نمود.

لنین می گفت:
"هیچ جنبش انقلابی بدون آنکه یک تئوری انقلابی آنرا هدایت و رهبری نماید نمی تواند به پیروزی دست یابد."
و این گفته مشهور وی که بدون تئوری انقلابی هیچ جنبش انقلابی نیز نمی تواند وجود داشته باشد، چراغ راهنمای انقلابیون کمونیست سراسر



گیتی برای هدایت مبارزات انقلابی است.

آنگاه که مارکسیسم در روسیه تازه نصح می گرفت و انواع گرایشات انحرافی در صحنه مبارزه طبقاتی خودنمایی می کردند، رفیق لنین به مبارزه بی امن با آنها برخاست تا نفوذ تفکرات بورژوازی و خرده بورژوازی را از اندیشه و عمل جنبش کارگری بزدايد و اندیشه سوسیالیسم علمی را در قلب رزم پرولتاریا برافروزد. رفیق لنین می آموخت که:

"انگلس برخلاف آنچه که در نزد ما مرسوم است - برای مبارزه عظیم سوسیال دموکراسی تنها دوشکل (سیاسی و اقتصادی) قائل نشده بلکه در ردیف آنها مبارزه تئوریک را هم قرار داده، سه شکل قائل می شود."

ویدین سان برای آنکه جنبش کمونیستی قادر به هدایت و شکل طبقه کارگر گردد می باید علاوه بر آنکه مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر را مد نظر قرار دهد و با جمع بست تجارب آن مبارزه طبقه کارگر را ارتقاء دهد، می باید پا به پا و در ردیف اینها مبارزه تئوریک را هم پیش راند.

رفیق لنین با اشاره به شرایط آن زمان روسیه (۱- حزب سوسیال دمکرات تازه در حال شکل گیری بود و هنوز حسابش را با سایر جریان های فکری که جنبش را با خطر انحراف مواجه می ساختند تصفیه نکرده بود.

۲- بین المللی بودن سوسیال دموکراسی لزوم آشنائی و انتقال تجربیات سایر ممالک برخورداردی

زنده را. طلب می نمود و
۳- اهمیت موقعیت پرولتاریای روسیه و وظایف آن در قبال پرولتاریای جهانی (تاکید بسیار زیادی بر مبارزه تئوریک داشت و کوشش های فراوان وی در این زمینه دال بر این تاکید است.

اما ببینیم برخورد لنین و لنینیسم با تئوری انقلابی چگونه است.

رفیق لنین وظیفه کمونیست ها را در این باب در یک کلمه خلاصه مینماید: "آموختن". این وظیفه مضمون همان توصیه مشهور انگلس را در بر داشت که می گفت از وقتی که سوسیالیسم تبدیل به علم شده است باید با آن به مثابه علم برخورد نمود. یعنی آنرا آموخت.

اما آموختن سوسیالیسم علمی، علم رهائی پرولتاریا، به شیوه کسانی که به گفته رفیق استالین بر مارکسیسم نایستادند بلکه بر روی آن لم داده اند آموختن نیست، بدآموزی است. رفیق لنین می گفت:

"واضح است که این تنها "یک کلمه" (آموختن) است و هنوز به مسائل عمده و بسیار حیاتی پاسخ نمی دهد - که چه چیز باید آموخت.

آموختن سوسیالیسم علمی و اصول ناظر بر مبارزه طبقاتی بطور مجرد و جدا از واقعیات موجود و زنده زمینه همان خطری را به وجود می آورد که ما به اعلام پرطمطراق قبول مارکسیسم اکتفا نمائیم اما مارکسیسم را از روح زنده و خلاق آن تهی سازیم و آن را به تئوری مجرد و بی جانی تبدیل نمائیم که تنها برای فخر فروشی مناسب باشد. آموزش لنینیسم چنین بدآموزی را سطحی و زیانبار می داند و حاملین آنرا ملانقطی های می شناسد که لاف مارکسیسم می زنند ولی در عمل با آن فاصله می گیرند. آموزش کتابی "مارکسیسم برای کسانی که چنین آموزشی را دنبال نمایند همان کسستگی تاریخی تئوری از عمل را به بار می آورد که آموزش بورژوازی بر آن اکتفا دارد.

رفیق لنین می گفت:

"اکنون در نطقها و مقالات ما تکرار ساده آنچه هائی که سابق درباره کمونیسم گفته می شد وجود ندارد. زیرا نطقها و مقالات ما با کار روزمره همه جانبه رابطه دارد. کسب معلومات کتابی درباره کمونیسم از روی رسالات و تالیفات کمونیستی بدون کار و بدون مبارزه، واجد هیچگونه ارزشی نیست زیرا چنین معلوماتی به گسست قدیمی بین تئوری و پراکتیک یعنی به آن گسست قدیمی که نفرت انگیزترین صفت جامعه کهنه بورژوازی را تشکیل می داد، کماکان ادامه خواهد داد."

تاکید لنین مبنی بر تلفیق آموزش و مبارزه و کار بهیچوجه به معنای عدم فراگیری مارکسیسم نیست بلکه تاکید او بر چگونگی این آموزش است. مارکسیسم - لنینیسم فراگرفتن دستاوردهای علمی بشری را یگانه راه رسیدن به کمونیسم می شناسد و این آموزش را بقیه در صفحه ۱۳

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



مسئله نان و سیاست های

دولت ...

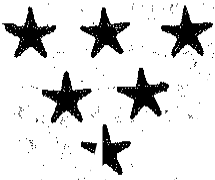
بقیه از صفحه ۹

تحریرات تولید کنندگان زحمتکش به تضویب رسیده، حتی برای مدت زمان کوتاهی نتوانست جانب منافع مصرف کنندگان و تولید کنندگان زحمتکش را بگیرد بلکه با طرح فوق راه همچنان برای سودجویی واسطهها باز گذاشته شد. نان گران تر و کیفیت آن برای زحمتکشانه باقیمانده، در حالیکه صاحبان پول اندک، نان برشته گوشه سفره خود را هم چنان با پرداخت پول بیشتر تهیه می نمایند.

همه این شکست نتیجه سیاست های سازشکارانه دولت و بی اعتمادی آنها نسبت به زحمتکشان است. در حالیکه زحمتکشان همیشه آماده بودند برای حل مشکلات خود بوده و هستند ولی دولت مانع آن است.

چندی پیش یکی از نمایندگان اتحادیه کارگران خیابانی در این مورد گفت: ... حتی طرحی را به دولت ارائه دادیم که بر اساس آن یک سازمان واحد برای آرد و نان ایجاد شود و دست کلیه واسطه های سودجو و دلال های معروف و اجاره بگیرها و چند شغلی ها از آرد و نان کوتاه گردد، اما با کمال تأسف نه تنها طرح ما را مورد بررسی و مطالعه قرار ندادند بلکه برای طرح جدیدی که چند روزی است به مرحله اجرا گذاشته اند از ما کسبه نمایندگان را از ۲۰ هزار نفر کارگر خیابان هستیم، نظرخواهی نکرده اند و طبق روال گذشته در اتاق های در بسته در مورد سرنوشت ما تصمیم ناهنجار گرفته اند.

کمک نگرفتن از خود کارگران برای تولید، توزیع و کنترل و نظارت بر آن، بیسنادن به تجربیات و طرح های خود آنان، ادامه سیاست های ضدشورائی دولت و مهم تر از همه سودجویی های سرمایه دارانی که مورد حمایت دولت اند، باعث گرانی و کمبود نان است. گرانی و کمبود نان اینک زندگی زحمتکشان را سخت تر از گذشته ساخته است.



سازمان پیکار و پیگانه با ...

بقیه از صفحه ۱۱

وادار کند. این تفکر نمی تواند درک کند که کارگران به شیوه خاص خود که متناسب با درجه آگاهی و سطح مبارزاتی شان است به این یا آن شیوه از مبارزه دست می زنند. این پیش کشی که اعتماد توده های را صرفا معلقول تاکنیک هایش می داند نه مبتنی تاکنیک هائی که باید اتخاذ کند. این رفقا از آنجائی که فکر می کنند به توده ها اعتماد دارند، عملا نیازی به اعتماد متقابل توده ها نمی بینند. فراتر از دامنه ذهنیت و عملکرد عناصر آگاه در این یا آن کارخانه با پیش و سیاستی سروکار داریم که بر جریاناتی از جنبش کمونیستی ایران مستولی است و مبتنی چپ روی در شیوه های مبارزاتی شان است. یعنی پیشی که نه تنها بر درسهای ساده و تاریخی کمونیستی خط بطلان می کشد بلکه از تجربیات منفی روزمره خودش نیز غافل است. آسهائی که "کار جدا از توده" و "مشق چریکی" را در حرف رد می کنند، هنگام عمل (پس از اخراج از کارخانه و جدا ماندن از توده کارگران) اینگونه استدلال می کنند که:

... اگر ما را اخراج کنند، لااقل خاطره ما در ذهن کارگران می ماند و همیشه می گویند عجب کارگران مبارزی بودند!!

بله مقصود کارگرانند که نمی توانستند "رهنمودهای" آنان را درک نمایند. "مشق چریکی" "ذهنیت جدا از توده" و "دید محفلی" به چه می گویند؟ چه کسی در گرداب "دید گروهی" غرق است؟

نشریه "پرگار" در شماره ۴۵ طی مقاله ای بنام "تجاری از کار توده های انقلابی در میان کارگران سعی می کند به بررسی انتقادی مسئله کارگران اخراجی بپردازد و تجاری را به عنوان "توده های انقلابی عرضه کند، بدون آنکه خود چیزی از این مقوله آموخته باشد. این "بررسی انتقادی" تنها به جوانبی از "حرکات جدا از توده های رفقای اخراجی" انتقاد می کند و ابتدا از این مسئله که این "حرکات" انعکاس "رهنمودهای" چه سازمانی است، سخنی نمی گوید. و از نشان دادن ارتباط بین "اشتباهات" با پیش محفلی و گروهی حاکم بر سازمان پیکار، رزمندگان و ... طفره می رود و بدون آنکه از "بررسی" انبسمه انحراف (که تنها نمونه ای از تجارب منفی روزمره شان است) درسی بگیرد، سرانجام تللور (تجاریش) را از "کار توده های انقلابی" در انتهای مقاله اینچنین توجیه کرده و رهنمود می دهد:

"ما باید بدون دنباله روی از کارگران، خواست های آنان را ارتقا داده و در به راه انداختن مبارزات توده های و نه جدا از توده و رهبری و هدایت آن بکوشیم" (تکیه روی کلمات از ماست)

اولا - کمونیست ها به بر محور ارتقاء خواست های کارگران بلکه بر محور ارتقاء آگاهی و شکل کارگران حرکت می کنند.

ثانیا - پیشروان کمونیست مبارزات توده های را به راه نمی اندازند بلکه مبارزات توده های را سازماندهی می کنند.

انحرافات که در بسیاری از کارگاه ها و کارخانه ها شاهدش هستیم کاربست مستقیم چنین مبارزات توده های "به راه انداخته می شود" برای آنکه اخراج "رهنمود دهندگان" را تسهیل کند و رسالت پیشروان کمونیست را بی اعتبار سازد، برای آنکه در انسجام و اتحاد پرولتری وقفه ایجاد کند، سنگرها را یکی پس از دیگری به دشمن تسلیم کند و رابطه بین توده و پیشرو را بیش از پیش خدشه دار سازد.

بهرت است "پرچمداران کار توده های انقلابی" در مورد دید گروهی و پیش توده های و فرق میان این دو بیشتر تعمق کنند و جنبش کارگری ایران را از اقتداء به چنین "رهنمودهای" معاف دارند.

بمنا نسبت یکصد و دهمین سالروز تولد لنین آموزگار ... در کردار به آموزش های ...

جهانی که بصورت تئوری تدوین گردیده است، این انحراف را به همان سان که "مارکسیسم کتابی" را مردود می شمارد، رد می کند. لنین بر این اعتقاد بود که در برخورد با هر مسئله مشخص باید ابتدا اصول تئوریک ناظر بر آن مسئله را تراگرفت تا مسیر خود را روشن نماییم.

در شرایط کنونی که جنبش کمونیستی مبین ما وارد مرحله نوینی از سیر تکامل خود می گردد، ضرورت مبارزه با انحرافات که همچنان چنگ بر تئوری های گسسته از روند عینی مبارزه طبقاتی می افکنند و بر ریسمان یافته های ذهنی خود که قدر هوا معلق است آویزان شده اند و یا بدون توجه به تئوری راهنما پراگماتیسم را رهنمون حرکت خود قرار داده اند، بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد. تاکید بر شیوه لنینی آموزش تئوری انقلابی و قرار دادن تئوری بر روی دوپا و بر متن قانونمندی عینی تکامل جامعه یک ضرورت مبرم است.

یکصد و دهمین سالگرد تولد لنین کبیر، رزمنده راستین راه رهایی طبقه کارگر و زحمتکش جهان را با درس گیری از آموزش های او گرامی می داریم.

نام لنین در قلب پرولتاریای جهان زنده است

کافی فراتر از آموزش بشمارهای کمونیستی می داند. این آموزش فراگیری معلوماتی است که کمونیسم خود به واسطه آن بوجود آمده و راه تکامل را پیموده است. تئوری مارکس در سیر تدوین و تکامل خود به بررسی همجانبه جامعه بورژوازی می پردازد و با استفاده از دستاوردهای علمی زوال ناپذیر این مناسبات را نمایان می سازد. این بررسی به شکلی دقیق، مشروح و عمیق به انجام می رسد و همین سبب راز تبدیل تئوری های مارکس به آموزش انقلابی میلیونها کارگر و زحمتکش سراسر جهان است. مارکس خود بر این باور بود که "تئوری همیشه در توده ها نفوذ کند خود یک نیروی مادی می شود"، و برای اینکه تئوری در توده ها نفوذ کند باید از روح زنده واقعیات و سیر عینی مبارزه طبقاتی کسب گردد.

اینک در آستانه صد و دهمین سالگرد تولد لنین کبیر، ما یکبار دیگر بر این آموزش های مارکسیسم - لنینیسم تاکید می کنیم. لنینیسم همواره علیه دو گرایش انحرافی محدود ساختن آموزش تئوری به "کتاب" و دور از واقعیات زنده مبارزه طبقاتی و همچنین عمل بدون تئوری و کور مبارزه کرده و در مسیر این مبارزه چون پولاد آبدیده شده است. لنین عملگرائی یعنی پی افکنندگی به تجربیات غنی جنبش پرولتاریای

فالیبان گویون بولاق

در بزرگداشت لنین

بارها ستایش شماست، رفیق لنین. مجسمه های نیم تنه و تمام قد از او می سازند. نامش را بر شهرها می نهند و بر کودکان نیز خطابه های به همه زبانها می خوانند. در انجمن ها و میتینگ ها از شانگهای تا شیکاگو برای بزرگداشت لنین.

اما این چنین او را ارج داشته اند، فالی باقان گویون بولاق.

دهکده های کوچک در جنوب ترکمنستان، بهست فالی باقات، شب هنگام در آنجا هستند از تب، لرزان. و از کارگاه محقرشان، تب زبانه می کشد.

ایستگاه راه آهن از انبوه پشه پوشیده است. گندناهی از مرداب برمی خیزد، مردابی که پشت گورستان قدیمی ده است.

اما قطاری که هر دو هفته یکبار، آب آشامیدنی و توتون می آورد، خبر می آورد که روز بزرگداشت رفیق لنین نزدیک است.

و مردم گویون بولاق، مردم فقیر، فالی باقان، تصمیم می گیرند که مجسمه نیم تنه ای از رفیق لنین، در ده شان بر پا دارند.

به هنگام گردآوری پول برای مجسمه، مردم ده لرزان از تب، می آیند و چند کوپک پولی که دشوار به دست آورده اند، با دستهای لرزان، می دهند.

"استپا مالوف" از ارتش سرخ پولها را - در نهایت امانت - می شمرد و به دقت می بیند.

فداکاری ایشان را برای بزرگداشت لنین

و دلشاد می شود، اما او دستهای لرزان را نیز می بیند.

و ناگهان پیشنهاد می کند: با پولی که برای مجسمه گرد آمده، نفت بخرید و روی مرداب پشت گورستان بریزید، مردابی که زادگاه پشه هاست، پشه های گسه تب آفرینند.

و بدین سان، در گویون بولاق مبارزه می کنیم و بدینگونه ارج می نهیم و پاس می داریم اندیشه های رفیق لنین را، که هرگز فراموش نخواهد شد.

آنها بر این کار مصمم شدند - در روز بزرگداشت، سطلهای کهنه، پر شده از نفت سیاه را یکی از پی دیگری به مرداب بردند و مرداب را با نفت پوشاندند. بدینگونه در خدمت خویش بودند، همچنانکه لنین را ارج می نهادند.

و او را می ستودند: در خدمت به خویش، پس ایشان، خواست آن را مرد را فهمیده بودند. شنیدیم که چگونه مردم گویون بولاق، لنین را ارج نهادند.

و آنگاه به هنگام شب، پس از آنکه نفت را به مرداب ریختند مردی از جمع به پا خاست و خواست که تابلویی در ایستگاه راه آهن نصب شود، و بیان کند تمامی ماجرا را با "تغییر نقشه و تبدیل مجسمه نیم تنه لنین را به ریشه کنسی مالاریا، با چند تن نفت. یعنی بزرگداشت واقعی رفیق لنین" و تابلو آویخته شد.

"پرولت برشت"

حماسه شهادت رفقا بیژن و همزمان گرامی باد

مادر توماج: بالاخره بنی صدر نکفت عاملین...

بهشت زهرا یکبارچه شور و هیجان بود. مردم تهران خاطره قهرمانانی را گرامی می داشتند که خون سرخشان در تپه های امین لاله های سرخی را زور کرد که پهنه کشور را با آگهی شهادت این رفقا نافوس مرگ دیکتاتوری مائستی حکومتی را می نواخت. این کشتار تیری بود در تاریکی، رژیم پهلوی می خواست با آخرین تیر ترکش لحظاتی دیگر بر زندگی تنگین خود بیفزاید و چند صباحی دیگر خود را سرپا نگهدارد.

حکومت فکر می کرد با تیرباران پیشگامان و پیشقراولان جنبش توده های فادر خواهد بود خلق را از پای بنشانند و قدرت انقلابی توده های را که هر روز بیش از روز پیش فزونی می گرفت، سرکوب کند.

در ارتقاء مبارزات خود از آن بهره خواهند گرفت. " مردمی که زیر آفتاب، روی زمین نشسته بودند، با شور زاید الوصفی در بیست سخنرانی ها شعار می دادند: "برچیدن شوراها، خلع سلاح مردم، علیه زحمتکشان به نفع امپریالیسم".

"شهادت فدائی، آتش انتقامی، شعله هر قیامی" بعد از پیام خانواده های شهدا یکی از رفقا شعری خواند که به مناسبت شهادت ۹ رزمنده فدائی و مجاهد سروده بود و در پی آن یکی از رفقای همبند رفقای شهید پشت میکروفون قرار گرفت و پیرامون خصوصیات رفقای فدائی شهید و سنت هائی که آنان در زندان پایه گذاری کردند، سخن گفت. او در بخشی از سخنانش اظهار داشت:

جمعه ۲۹ فروردین ۵۹ دهها هزار نفر از مردم زحمتکش تهران در قطعه ۳۳ بهشت زهرا گرد آمدند. آنان گرد آمدند تا بار دیگر با شهدای خود پیمان ببندند که همچون آنان از پای ننشینند و تا آخرین قطره خونشان از آزادی و حقوق حقه شان دفاع کنند. آنان گرد آمدند که به خون شهدای خلق پیمان ببندند که تا جان در بدن دارند در نابودی کامل دشمنان خلق و افشای سازشکاران لحظه ای از پای ننشینند.

در این مراسم ابتدا پیام خانواده های شهدا توسط فرزند رفیق بیژن جزئی خواند شد:

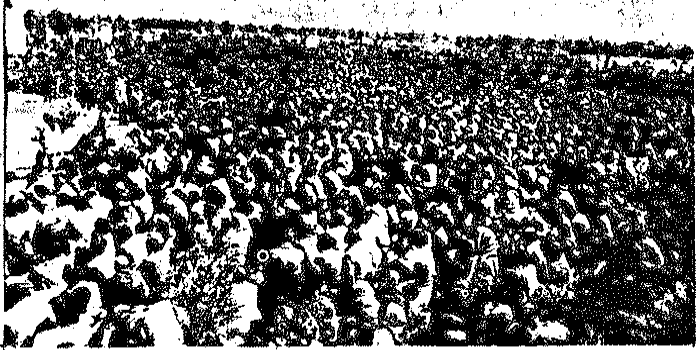
"مبارزه، مقاومت و رزمندگی هفت شهید فدائی خلق، محمد چوپانزاده فرزند راستین طبقه کارگر ایران، عباس سورکی، عزیز سرمدی، احمد جلیل افشار، سعید کلانتری، حسن ضیاءظریفی و بیژن جزئی که تمام وجود خود را برای نابودی سلطه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و بهروزی خلق و طبقه کارگر ایثار کردند، همیشه در تاریخ مبارزات میهن ما جاودان خواهد ماند و مبارزان کشور ما آن را چون میثاتی حفظ کرده و

رفقا بیژن و همزمان همه چیز را با ملاک منافع جنبش توده های ارزیابی می کردند. این آموزش بزرگی برای انقلابیون است که همیشه چشم و گوشان متوجه توده های مردم باشد. اعتقاد آنها این بود که شادمانی یک

بقیه از صفحه ۱۶

انقلابی وقتی است که وظیفه خود را در قبال مردم، در قبال زحمتکشان به درستی انجام داده باشد. آنها در عین حال با همین ملاک با استنتاجها و نظریات خود برخورد می کردند. بارها شاهد بودم که چگونه رفقا بویژه رفیق بیژن زمانی که اطلاعات صحیح تری از جنبش دریافت می کرد متعهدانه استنتاج های قبلی خود را که بر اساس اطلاعات ناقص تکیه داشت تصحیح می کرد. او در مقدمه تمامی آثار خود بر این حقیقت تاکید دارد.

امپریالیسم آگاهی داشته باشند و اتحاد خود را در این مبارزه حفظ کنند. رادیو تلویزیون به جای اینکه در این شرایط کانونی برای بحث پیرامون مسائل روز مثل مبارزه با امپریالیسم، بیکاری، فقر و... باشد، می خواهد بحث های مجرد و نفاق افکنانه راه اندازد و چنین پیشنهادی در چنین شرایطی به معنای این است که مردم ما را خواهند از مبارزه های که در پیش دارد منحرف کنند. این رفیق ادامه داد: "امروز شما می شنوید و



شاهدید که دانشگاه ها را که همواره سنگر مبارزه توده ها بوده است چگونه می کوشند به آن یورش برند و دانشگاه ها را که به شهادت تاریخ خود دانشگاهها همیشه جانی بوده است که مشت دشمنان مردم را باز می کرده به تعطیل بکشاند و توطئه های خود را عملی سازد. انقلابیون باید هوشیار باشند و با نهراسیدن از شهادت هائی که در پیش است از آزادی و همه سنگر هائی که افشاگر دشمنان مردم ماست، حراست کنند و اتحاد آنان را در مبارزه با امپریالیسم که چیزی جز مبارزه با فقر، بیکاری، تبعیض، سانسور و اختناق نیست، حفاظت کنند و هرچه بیشتر آنها

شهادت هفت فدائی خلق و دو مجاهد در عین حال این نکته را به اثبات می رساند که چگونه وقتی مبارزه با دشمن مشترک در کار باشد، انقلابیون کمونیست و نیروهای ترقیخواه مذهبی می توانند با صفوف متحد خود حماسه ها بیافرینند. شهادت آنها حقیقی بودن اتحاد عمل نیروهای انقلابی، ترقیخواه و ضد امپریالیست را گواهی می دهد. رفیق در ادامه سخنانش به دعوت رادیو تلویزیون برای بحث در مورد مسائل کلی، مثل روبنا و دیالکتیک و... اشاره کرد و گفت: "این پیشنهاد در شرایطی می شود که مردم ما بیش از هر زمان دیگر باید راجع به مبارزه با

را استحکام بخشید. در پایان سخنرانی رفیق جمعیت با مشت های گره کرده شعار می داد: "اشغال دانشگاه ها، توطئه ارتجاع، خدمت به امپریالیسم". شعار هر فدائی پیروزی توده ها، تیرد با امریکا" در سنگر فدائی، نه سازش، نه تسلیم، تیرد با امریکا. "خون سرخ فدائی پرچم ایران ماست. سپس اعضای خانواده های فدائیان شهید رفقا توماج، مختوم، واحدی و جرجانی و نیز همسر و فرزند فدائیی شهید گرجی بیانی پشت تربیتون آمدند که با شور و استقبال وسیع شرکت کنندگان مواجه شدند. تایماز پسر رفیق شهید توماج در حالی که گل سرخی به دست داشت با مشت گره کرده در کنار دیگران ایستاده بود. در این موقع جمعیت شعار می داد: مختوم توماج واحدی، جرجانی، شهید خلق ترکمن راهت ادامه داد.

"یا شاسین فدائی... درود بر تومادر فدائی" آنگاه مادر فدائی شهید توماج روستائی پیری که به نمایندگی از طرف خانواده شهدای رزمنده خلق ترکمن آمده بود سخن گفت. سخنرانی این مادر قهرمان، این ساده روستائی در میان جمعیت شرف و شور و هیجان خاصی ایجاد کرده بود. صمیمیت و صداقت این مادر قهرمان همراه با قاطعیت و غرور زاید الوصفش نه یادآور غم مادر یک شهید بلکه یاد آور شور و عشق پنهان گندم مازی بود که چشم خونینش به جانب بهار خجسته زحمتکشان خیره مانده است با عظمت و شجاعت بی پایانی که باید خلق زحمتکشی را از بند برهاند و در مقابل خونخوارترین دشمن انسان ها یعنی امپریالیسم جهانخوار به سرکردگی امریکا نجات بخشد او ابتدا به شرح زندگی سراسر مبارزه و انقلابی فرزند دلاورش توماج پرداخت و گفت: "وقتی او را (توماج) در زندان ملاقات کردم به او گفتم فرزندم! ناراحت نباش که راه تو راه خلق است، همیشه پیروزی از آن خلفاست. من

گرامی باد خاطر همه شهیدای خلق

بقیه در صفحه ۱۵

حماسه شهادت رفقای بیژن و

بقیماز صفحه ۱۲

می دانستم تو ماچ نه فقط برای خلق ترکمن بلکه برای رهائی تمام زحمتکشان ایران مبارزه می کردی. مادر تو ماچ در حالی که بی وقفه و پهلادیت حرف می زد پیرامون ترور ناجوانمردانه رهبران خلق ترکمن در رژیم جمهوری اسلامی گفت:

"بچه های فدائی در انقلاب زحمت کشیدند و همگام با زحمتکشان برای رهائی خلق از ستم به مبارزه خود ادامه دادند هیئت حاکمه در قیام که فرزندان خلق مبارزه می کردند کجا بودند که حالا آنها را به شیوه فاشیستی ترور می کنند؟ آنها چهار فرزند خلق را که به خاطر مردم زحمتکش مبارزه می کردند و بنه دهقان می گفتند زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند ترور می کنند هیئت حاکمه که دم از خلق می زند پس چرا از شوراها دهقانی دفاع نمی کند و می آید زمینداران بزرگ را مسلح می کند و آنها راه جنگ خلق می فرستد؟! "

مادر تو ماچ ادامه داد:

سخنانش را به پایان برد. لازم به تذکر است که در بین برنامه مراسم بزرگداشت ۹ رزمنده خلق از شهدای دیگر سازمان از آنجمله رفقا پنجه شاهی ها، سلاحی ها، مومنی، رضوانی و ... تجلیل شد.

پس از سخنرانی مادر رفیق تو ماچ پیام های جداگانه سازمان و دانشجویان پیشگام به مناسبت توطئه ای که علیه دانشگاهها جریان دارد، قرائت شد. در پایان جمعیت شرکت کننده با شعار:

"هفتاد هزار کشته، صد ها هزار زخمی، هرگز نباید سازش، هرگز نباید تسلیم"

در محوطه بهشت زهرا و در قطعه ای که شهدای ۱۷ شهریور و فدائیان و مجاهدین خلق دفن شده اند به راهپیمایی پرداختند و با گذاشتن گل های سرخ بر روی مزارهایشان و خواندن سرود اتحاد از شهدای به خون خفته خلق تجلیل به عمل آوردند.

این مراسم پرشور در ساعت ۱ بعد از ظهر پایان یافت.

در حاشیه مراسم روز جمعه

وقتی که هنوز مراسم شروع نشده بود، در گوشه ای مادران تو ماچ و بختوم و همسر جرجانی و خواهران تو ماچ نشسته بودند. مادران فدائیان شهید دیگر از آنجمله مادران رفیق جزینی، افشار، سردی، فضیلت کلام ها و ... به دورشان حلقه زده بودند احساس نزدیکی و پیوند عمیق بینشان بود. وقتی مادر رفقای شهید سلاحی ها به مادر تو ماچ برخورد با سرافرازی به مادر تو ماچ گفت:

"راه فرزند شهیدت ادامه دارد"

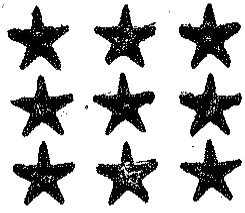
و هنگام معارفه مادر رفقای شهید مهدی، انوش و شیرین فضیلت کلام با مادران و بستگان شهدای خلق ترکمن، مادر رفقا فضیلت کلام ها عکسهای فرزندان دلاورشان را به مادر تو ماچ نشان داد و به او تبریک گفت. مادر تو ماچ نیز با حالتی غرور انگیز دست در دست مادر فضیلت کلام ها گذاشت و متقابلاً تبریک گفت.

در حالی که جمعیت شعار می داد درود بر تو مادر فدائی، مادر رفیق تو ماچ

گرامی داشت شهادت

۹ رزمنده خلق

در گیلان

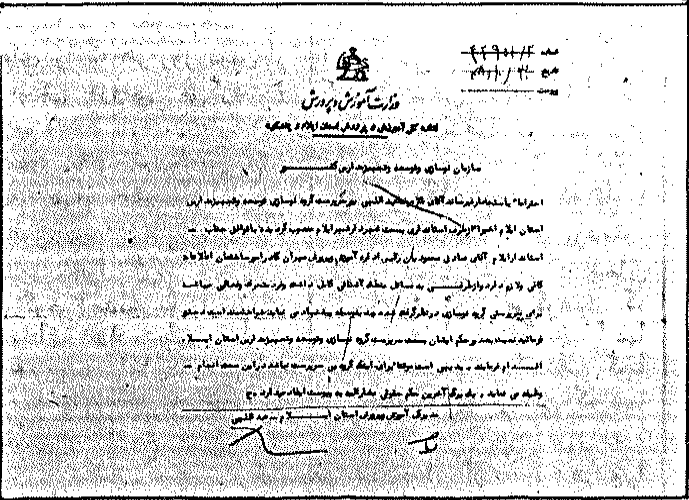
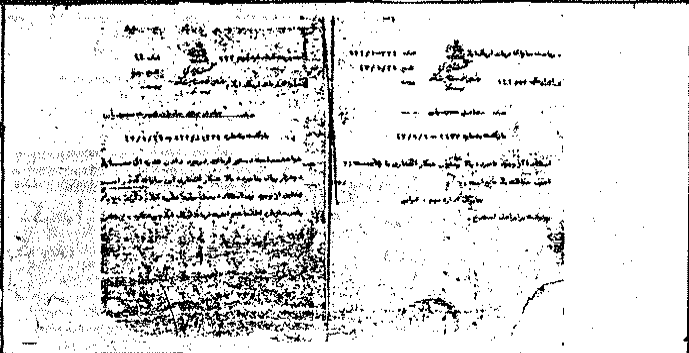


مراسم گرامی داشت شهادت ۹ رزمنده خلق رفقا بیژن جزینی و همزمان در گیلان (لاهیجان و رشت) هر چه با شکوه تر برگزار شد. در این مراسم هزاران نفر از زحمتکشان گیلان که از شور مبارزاتی سرشار بودند شرکت داشتند. فریاد مرگ بر امریکا، سازشکار، درود بر فدائی که در فضای سرسبز و لبریز از باروری و شکوفائی لاهیجان و رشت طنین افکن شد، نشان از اراده ای راسخ برای درهم کوبیدن سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا در پهنان داشت.

در این مراسم یکی از رفقا درباره مبارزات ضد امپریالیستی توده ها و سیاست های سازشکارانه بنی صدر سخنرانی کرد استقبال صمیمانه و پرشور زحمتکشان و نیروهای مترقی گیلان از این مراسم بیانگر این بود که پیوند سازمان با توده ها هر روز گسترده تر و عمیق تر می شود. سازمان ما با تکیه بر چنین نیروی لایزالی است که استوار و تزلزل ناپذیر در جهت سازماندهی مبارزات کارگران، دهقانان و کلیه زحمتکشان علیه امپریالیسم جهانی و طبقه سرمایه دار ایران پیش می رود. همچنین در این مراسم نمایشی از سیاست های پشت پرده سازشکاران و رابطه آنان با "کاخ سفید امریکا" توسط دانشجویان پیشگام به اجرا درآمد. موفقیت چشم گیر این گردهمایی نشان از تلاش شایسته روزی و قابل تحسین دانشجویان و دانشآموزان پیشگام در جهت ارتقاء سطح آگاهی توده های به پا خاسته ما داشت.

ساواکی هارا به کار باز می گردانند!

سندی که در زیر درج شده، نشان می دهد که چگونه ساواکی ها از زندان آزاد می شوند و چگونه بر مسند کارهای حساس مشغول می گردند. این سند یکی از هزاران نمونه ای است که نشان می دهد هدف از پاکسازی مدارس و دانشگاهها و انقلاب فرهنگی چیزی نیست مگر اخراج و زندانی نمودن فرهنگیان و دانشگاهیان مبارز و به کار گماردن مهره های سرسپرده ای نظیر صادق محمودیان.



با پخش اعلامیه های جعلی به نام ...

ضد خلقی خود پرده بیندازد و با اصطلاح خود را در صف نیروهای مترقی جا بزنند. آنها در حالی دست به چنین عوامفریبی هایی می زنند که در داخل عراق کمونیست ها را گروه گروه اعدام می کنند، زحمتکشان کردستان عراق را به خاک و خون می کشند، با دامن زدن به اختلافات مذهبی مردم را به شیعه و سنی تقسیم می کنند. هزاران زحمتکش را به بهانه های مختلف از خانه و کاشانه خود آواره می کنند و با جنگ افروزی در مرزهای ایران زمینه را برای تقویت ارتش ضد خلقی ایران و سرکوب کردستان فراهم می آورند. آنها در همان خطی حرکت می کنند که فرماندهان مزدور ارتش جمهوری اسلامی ایران مدتها عراق را دارد.

است برای تجدید سازمان ارتش و سرکوب مبارزات مردم ایران دنبال کرده اند. این است ماهیت رژیم که در رادیوهای خود مدام به فریب توده ها مشغول است. هواداران سازمان باید در هر کجا که هستند با کار توضیحی عملکرد رژیم عراق و موضعگیری سازمان در رابطه با آن را برای توده ها روشن سازند و بویژه با نفوذ تبلیغات منحنی رادیو بغداد هر جا که با آن برخورد می کنند بشدت مبارزه نمایند و توضیح دهند که رادیو بغداد نیز مثل رادیو تلویزیون ایران اما به گونه ای دیگر قصد فریب توده های ایران و عراق و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران و عراق را دارد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

حماسه شهادت رفقا بیژن و هموزمان گرامی باد مادر توماج :

بالاخره بنی صدر نکفت عاملین شهادت فرزندان دلاور خلق ترکمن چه کسانی هستند؟

دو پناهزار نفر از مردم تهران با نثار گل‌های سرخ
خاطره شهادت قهرمانانه رزمندگان خلق، فدائیان
و مجاهدین بیژن جزئی، ظریفی، سورکی، کلانتری،
چوپان زاده، افشار، سرمدی، ذوالانوار و خوشدل را
گرامی داشتند.

بقیه در صفحه ۱۴

مشت‌های گرد کرده مادر توماج و مادر مخوم،
مادران شهیدان به خون غلغله خلق ترکمن و تابان سپهر
توماج باد آور حماسه فرور آورین خلق ترکمن و با ما
عشق و شکره به نثار کنندگان به خون غلغله است که
بمسوی بهار خسته زحمتکشانش چشم دوخته است.
عکس: مادر توماج در حال صحبت نشان مردم



شورای انقلاب ورهبری باندهای سیاه

در تاریخ ۱۹ فروردین
امسال، یعنی کمتر از دو هفته
پیش شورای انقلاب مبلغ دو
میلیون و هفتصد و پنجاه هزار
دلار که معادل بیش از ۳۰۰
میلیون ریال است، به
محسن رفیق دوست که یکی از
عاملان ترور فدائیان شهید
توماج و هموزمان است،
پرداخت کرده تا نامبرده از
یک کشور نامعلوم اسلحه
خریداری کند.

این اقدام شورای انقلاب
بیانگر چند نکته مهم است:

۱- شورای انقلاب به
محسن رفیق دوست که
شهادت خلق - توماج، مخوم
جرجانی و واحدی - را از
زندان اوین تحویل گرفته و
به شهادت رسانده است،
نزدیکترین روابط را دارد.
در واقع محسن رفیق دوست
از عناصر نادری است که مورد
اعتماد کامل شورای انقلاب
است. این واقعیت اثبات
می‌کند که شورای انقلاب در
فاجعه ترور رهبران خلق
ترکمن مستقیماً دست داشته
است و نیز نشان می‌دهد که
حداقل تعدادی از رهبران
باندهای سیاه که هر روز در
گوشه و کنار مین ما به
جنایتی تازه دست می‌زنند
مستقیماً زیر نظر شورای
انقلاب عمل می‌کنند.

Logo of the Revolutionary Council of Iran (Shura-ye Enqelab-e Iran) with text in Persian. It includes contact information and a list of members or related organizations. The text is somewhat small and difficult to read in detail, but it appears to be an official document or notice from the council.

عذاب هستند و در شرایطی
که زحمتکشان ما یک سرپناه
ندارند، شورای انقلاب
مخفیانه میلیونها تومان
پول مردم را برای خرید
اسلحه به باد می‌دهد و قطعاً
نمونه فوق یکی از دهها نمونه
است.

۳- شورای انقلاب این
سلاح‌ها را برای تجهیز
باندهای سیاه تروریست‌هایی
که زیر پوشش دفاع از اسلام
به آدم ربایی و کشتار مردم
به ویژه انقلابیون مشغول
هستند، خریداری می‌کند.

این سند به خوبی نشان
می‌دهد که شورای انقلاب
که از رشد جنبش خاق و
اتحاد زحمتکشان به وحشت
افتاده است برای سرکوب
خونین زحمتکشان آماده
می‌شود.

این سند نشان می‌دهد
که امروز برای تداوم مبارزات
ضدامپریالیستی توده‌ها
وحدت نیروهای انقلابی و
اتحاد هرچه سریعتر و هرچه
بیشتر زحمتکشان تا چه حد
ضرورت دارد.

با پخش اعلامیه‌های جعلی به نام سازمان‌های انقلابی

رادیو بغداد علیه مردم ایران تبلیغ می‌کند

بخش فارسی خود را دقیقاً
بر اساس بهره‌گیری از نارضایتی
حاصل از این امر تنظیم
می‌نماید:

از یکسو با پخش موسیقی
منحط آریامهری سعی در
به انحراف کشاندن نیاز
توده‌ها به موسیقی رزمنده و
انقلابی دارد تا به این
ترتیب اخلاقیات منحط رژیم
شاهنشاهی را رایج سازد و
از سوی دیگر با ارائه اخبار و
تفسیرهای جعلی از اوضاع
اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
حقایق را تحریف و به خورد
مردم می‌دهد. سردمداران
عراق که رسوائی و بی‌حیثیتی

انقلابی مین ماست و این
همه در حالی است که اختناق
و جعل و تحریف و سانسور
حاکم بر رادیو تلویزیون
جمهوری اسلامی ایران و
سیاست‌های ارتجاعی
گردانندگان آن که از ارتقاء
آگاهی توده‌ها سخت در
هراسند، نه تنها حتی ذره‌ای
شور و شوق زحمتکشان به
آموختن و دانستن را برآورده
نمی‌کند بلکه بیزاری و نفرت
مردم آگاه از تبلیغات
عوام‌فریبانه و سراسر دروغ
رادیو - تلویزیون را
برانگیخته‌است.

حکومت ایران را در جهت
مقاصد برنامه‌های خود مورد
بهره‌برداری قرار دهد، در
سیاست‌های رادیویی خود نیز
این خط مشی را در پیش
گرفته است.

مردم مین ما بر زمینه
روحیه رزمنده و مبارزه‌جویانه
خود، تشنه آگاهی‌اند. آنها
می‌خواهند از واقعیت حوادث
و جریاناتی که در داخل
کشورشان و در دیگر نقاط
جهان می‌گذرد مطلع باشند.
برنامه‌های آموزشی - انقلابی
رادیو تلویزیونی (تفسیر -
سیاسی، موسیقی، فیلم
و...) اکنون نیاز توده‌های

رژیم عراق که دستش تا
آرنج به خون زحمتکشان کرد
و عرب آغشته است و با
سرکوب و کشتار انقلابیون
عراق و دشمنی با مردم
کردستان عراق ماهیت
سرکوبگرانه خود را به نمایش
گذاشته است، مدتی است که
از طریق بخش فارسی برنامه
رادیویی خود به نحو
مودیان‌های سعی در منحرف
ساختن اذهان توده‌های
مردم ایران دارد.

رژیم عراق که همواره
سعی کرده است نارضایتی
مردم مین ما از سیاست‌های
صدانقلابی و سازشکارانه

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



یورش مسلحانه پاسداران و اوباشان

خون سرخ...

بقیه از صفحه ۱

دانشگاهی پر از مجروحان دانشجو و دانش‌آموز شد. مردم برای دادن خون به بیمارستانها دعوت شدند، صدای رگبارها و تک‌تیرها دوباره در خیابان‌ها به ویژه در حول و حوش دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی بلند شد، تیراندازی‌های هوایی - و هر جا که سرکوبگران لازم دیدند - تیراندازی زمینی به سوی مردم، شهرهای دانشگاهی را به چهره روزهای پیش از قیام درآورد مردم چهره هیئت حاکمه را بهتر دیدند. هیئت حاکمه دستور تیراندازی به سوی سنگرهای آزادی و استقلال ایران را صادر کرد. مردم باردیگر دیدند که سرکوبگران می‌خواهند فریاد استقلال و آزادی را در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی خفه کنند، بسیاری از مردم دیدند که دانشجویان و دانش‌آموزانی که با تانک و توپ ارتش و به دستور شاه به خاک و خون کشیده شده‌اند، اما لحظه‌ای هم از مبارزه در راه آرمان زحمتکشان دست برنداشتند، باردیگر و این بار به دستور حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب به خاک و خون کشیده می‌شوند و این برای زحمتکشان میهن‌آموزنده‌ترین درس‌ها است، درسی که دوستان و دشمنان مردم را بیش از پیش به مردم می‌شناساند، درسی که بدون تردید برای طبقه‌کارگر قهرمان ایران، برای همه زحمتکشان و برای میلیونها دانش‌آموز و دانشجو و معلم و استاد سی‌آمورنده است.

رژیم سابق می‌گفت: نمی‌گذاریم دانشگاهها بد مرکز توطئه علیه رژیم بدل شود. رژیم فعلی هم همین سهانه را می‌آورد. رژیم سابق می‌گفت دانشگاه فقط جای درس خواندن است نه جای فعالیت‌های سیاسی. رژیم فعلی هم کم و بیش همین را می‌گوید. رژیم سابق دانشجویان انقلابی و ترقیخواه را به گلوله می‌بست رژیم فعلی هم همین کار را کرد و علاوه بر صدها مجروح چند تن از دانشجویان قهرمان دانشگاه را به شهادت رساند.

مردم امروز می‌بینند که ارتش، ارتشی که دانشگاه را به خاک و خون می‌کشید از نظر هیئت حاکمه حالا اسلامی شد و دیگر وابسته نیست. اما دانشگاه، دانشگاهی که در زمان شاه با مبارزات پیگیر خود علیه شاه و امپریالیسم امریکا قهرمانی‌ها کرد، وابسته است و باید هرچه زودتر تصفیه شود. فرماندهان ارتش شاه فلاحی‌ها و ظهیرزاده‌ها انقلابی شده‌اند، اما کسانی که سینه خود را در برابر همین جلادان سیر کردند و با نثار خون از آرمان زحمتکشان ایران دفاع کردند صد انقلابی‌اند. آری مردم روز به روز بیشتر درمی‌یابند که انقلابی کیست و صد انقلاب چه کسانی هستند. مردم روز به روز شورای انقلاب را بهتر می‌شناسند و مقاومت قهرمانانه دانشجویان خود برای معرفی چهره شورای انقلاب نشینان در خور اهمیت بسیار است.

تهاجم علیه دانشگاهها چگونه آغاز شد؟

پیش از حوادث تبریز، از جانب نیروهای سیاسی سندی افشا می‌شود که نشان می‌دهد شورای انقلاب برای تهاجم علیه دانشگاه و مراکز آموزشی کشور تدارک دیده‌اند. پس از این افشاگری، سندی از جانب "دانشجویان مسلمان" افشا شد که حقایق را به وضوح روشن می‌ساخت. این سند نشان داد که ۹ ارگان تشکیلاتی به نام‌های سناد مرکزی - روابط عمومی شورای هماهنگی - انتظامات عملیات سازندگی - تدارکات تحقیقات و برنامه‌ریزی، وظایف اشغال و تعطیل دانشگاه‌ها را به عهده داشتند. وظایف ارگان‌ها که در سند آمده است عبارت است از تهیه نوار سرود، آبیات قرآن و مقالات ایدئولوژیک - سیاسی و پخش آن در جلوی درب دانشگاه برای هفته اول عملیات، گذاشتن جلسات سخنرانی و توجیه کاری که انجام داده‌اند از طریق بلندگوی درب دانشگاه نصب پلاکارد، شناسایی

مساجد منطقه از قبل و دعوت از مردم در روز عملیات با توضیح آن در مساجد. توطئه تعطیل دانشگاهها از تبریز یا سخنرانی هاشمی رفسنجانی عضو شورای انقلاب در تالار اجتماعات دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز و در روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۵۹ آغاز شد. او در متن سخنرانی خود که همه نیروها را به مبارزه علیه "شرق و غرب" و مبارزه علیه افغانستان و عراق دعوت می‌کرد موجب شد که سئوال‌هایی را از جانب دانشجویان مبارز و آگاه برانگیزد و با تشنجاتی که از جانب عناصر ارتجاعی ایجاد شد جلسه سخنرانی به هم خورد و بلافاصله دسته‌ای در دانشگاه و با شعارهای ضد کمونیستی و با ادعای "اسلامی کردن دانشگاه" به راه افتاد و با تهاجم به مرکز ساختمان مبارز و اشغال خود درآوردند. جماعت مستقر در ساختمان مرکزی اطلاعیه‌ای صادر کردند و متعاقب آن ارادل و اوباش در سطح دانشگاه به ضرب و جرح دانشجویان پیشگام و سایر نیروهای مبارز و انقلابی دست زدند. در پی آن جامعه روحانیت مبارز تبریز و عده‌ای از بازاریان به حمایت از توطئه‌گران پرداختند و قسمتی از بازار تبریز به صورت تعطیل درآمد و عصر روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ۵۹ بدعوت جامعه روحانیت مبارز از میدان شهرداری تبریز بسوی دانشگاه که در تصرف انجمن اسلامی بود حرکت کردند و به این مناسبت نماز وحدت به امامت آیت الله مدنی برگزار شد.

رئیس و دو معاون دانشگاه تبریز از سمت خود استعفا دادند و از ۳۰ فروردین ۵۹ از خود سلب مسئولیت نمودند.

شورای دانشگاه تبریز در ارتباط با اشغال ساختمان مرکزی دانشگاه تبریز توسط اشغالگران قطعنامه‌ای صادر کرد و در آن نوشت:

"... این اقدام ظاهرا به دنبال تشنجاتی در جلسه سخنرانی حجت‌الاسلام رفسنجانی در تالار دانشکده پزشکی صورت گرفت لازم به تذکر است برگزاری این سخنرانی بدون اطلاع مسئولین دانشگاه و طی اطلاعیه‌های بدون امضاء بوده است. متعاقب آن صرف ساختمان مرکزی دانشگاه به وسیله گروه‌های فوق و دعوت از مردم با پخش اطلاعیه‌های شماره یک و دو و سه عده‌ای را جهت پشتیبانی از تصرف ساختمان مرکزی راهی دانشگاه کرده‌اند که در بین آنها متاسفانه افراد مسلح به سلاح‌های سرد و گرم وجود داشتند. تعدادی از این افراد پس از ورود به دانشگاه با حمله به واحدهای آموزشی و ایجاد خسارت‌های مالی در ساختمان دانشکده‌های ادبیات، فنی و علوم و از بین بردن کتابخانه‌های دانشجویی به ضرب و شتم شدید و دستگیری دانشجویان اقدام کردند در این قطعنامه شورا این اعمال غیر انسانی و وحشیانه را که زیر پوشش "مذهب و اسلام" صورت می‌گیرد شدیداً تفسیح و محکوم کرد.

در تهران چه گذشت؟

در پی تهاجم علیه دانشگاه تبریز، دانشجویان پیشگام، انجمن دانشجویان مسلمان و سایر گروه‌های دانشجویی دانشگاه تهران با هوشیاری تمام اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های متعددی منتشر می‌کنند و طی آن توطئه تعطیل دانشگاهها را به اطلاع همه رساندند. بدیناقل افشای اسناد توطئه، انجمن دانشجویان مسلمان در "طرح این توطئه در ساختمان هفت طبقه‌ای در پشت سفارت سابق امریکا ریخته شده و سردمداران این جریان ابتدا دهنفر و پس از چندی حدود ۲۰ نفر دیگر به جمع آنان اضافه شده‌اند و در نظر دارند با شعار اصلاح نظام آموزشی و تصفیه و پاکسازی محیط دانشگاهها، محیطی مملو از ناامنی و هرج و مرج به وجود آورند. در دانشگاه تهران آغاز

تهاجم دانشجویان "انجمن اسلامی" از روز چهارشنبه و در روز پنجشنبه شدت بیشتری یافت. این تهاجم که از جانب عده‌ای اوباش غیردانشگاهی حمایت می‌شد به تمام دانشکده‌ها و مدارس عالی تهران کشیده شد و ناگهان و همزمان تمام مراکز آموزش عالی به صحنه نبرد بین دانشجویان مبارز و ترقیخواه و عناصر مهاجم گردید. کشاکش و زد و خورد در دانشگاه پلی‌تکنیک دانشکده‌های دانشگاه تهران، دانشگاه ملی، دانشکده علوم ارتباطات، دانشکده مهدی رضائی موجب مجروح شدن عده زیادی شد و دانشکده تربیت معلم با مقاومت سرسختانه خود کانسون مقاومت دانشگاهها شد. در این درگیری سخت، حدود صدها نفر زخمی و یک نفر کشته شد.

در آغاز تصرف دانشگاه از طرف انجمن‌های اسلامی دانشجویان "بیانیه‌هایی صادر شد و در آن سعی شد که زیر پوشش "اسلامی" نمودن دانشگاهها و جایگزینی نظامی انقلابی و الهی عمل خود را توجیه کنند. روز جمعه و در مراسم نماز جمعه دانشگاه، شورای انقلاب از زبان خلخالی و خامنه‌ای بر حرکات ناشایست ارتجاعی و کور تهاجم علیه دانشگاهها و مراکز آموزشی که خود طراح آن بودند در برابر مردم صحنه گذاردند. در این مراسم تمام شعارها تحریک مردم علیه دانشجویان مبارز و ترقیخواه بود و محوطه دانشگاه مرکز اخت و تاز و یازهم تحریک مردم و نیز دعوت آنان به اهیمنائی به سمت علم و صنعت و سایر دانشگاهها بود.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در ضمن خطبه خود چنین گفت: امروز در دانشگاه‌های سراسر کشور، گروه‌هایی نمی‌خواهند بگذارند که دانشگاه کار درست و رسالت واقعی خود را به این مملکت انجام دهد. دانشجویان مسلمان ما دیگر تحمل این را ندارند که ستاد گروه‌های مسلح ضداسلامی، سازماندهی را در داخل دانشگاهها

بقیه در صفحه ۲ ضمیمه

پورش مسلحانه پاسداران و اوباشان

خون سرخ شهدای ...

بقیه از صفحه ۱ ضمیمه

بکنند. دانشگاه‌هایی که با خون ملت تغذیه می‌شود مرکزی شود برای اینکه چند نفر قدره‌مند علیه جمهوری اسلامی آنجا بنشینند عده‌ای را به ترکمن بفرستند، عده‌ای را به کردستان، خانه‌های در سخنان خود "نوید" پیام شورای انقلاب و رئیس جمهور را به مردم داد. متعاقب آن و در جمع شب پیام شورای انقلاب اعلام گردید. در این پیام به دانشجویان به مدت ۳ روز مهلت داده شد که دفاتر خود را برجینند و اگر چنانچه تا پایان روز دوشنبه اول اردیبهشت دفاتر تخلیه نشود شورای انقلاب و رئیس جمهور برای برجیدن این مراکز اختلاف مردم را فرا خواهند خواند. در ضمن در این پیام، دانشگاهها از ۱۵ خرداد تعطیل اعلام شد و استخدام در دانشگاهها از همان روز صدور پیام ممنوع اعلام گردید.

که در پایان جلسه عصر شنبه ۳۰ فروردین پیام دوم خود را صادر کند. در روز یکشنبه جمعیت انبوه دانشجویان پیشگام و سایر دانشجویان ترقیخواه در خیابان ۱۶ آذر در دفاع از دفاتر دانشجویی پیشگام اجتماع کردند. خیابان ۱۶ آذر به خیابان مقاومت مبدل شد. در طول روز دسته‌های "فالانز" و باندهای سیاه که خود را به صورت گروه‌های شماره یک، دو، سه و ... تقسیم بندی کرده بودند، گاه به گاه دست به راهپیمایی می‌زدند و علیه کونیست‌ها و مجاهدین شعار می‌دادند. در این رابطه از طرف دانشجویان انقلابی، هوشیارانه و با متانت تمام عمل می‌شد که درگیری و زد و خورد پیش نیاید و نیروهای ضدانقلابی از آن بهره‌گیری نکنند. در همین روز (یکشنبه ۳۱ فروردین) سازمان چریکهای فدائی خلق با انتشار اعلامیه تحت عنوان "با وحدت و پایداری دانشجویان و استادان با حمایت و پشتیبانی مردم آگاه و مبارز سرکوب جنبش انقلابی دانشجویان محکوم به شکست قطعی است". موضع سازش‌ناپذیر و انقلابی خود را در قبال این توطئه‌ها و ادامه مقاومت اعلام داشت. در تمام تهاجم‌های دو روز شنبه و یکشنبه حضور فعال اوباشان، قداره‌بندها و دسته‌های مشکوک به چشم می‌خورد. یکی از سردمداران مهاجمین به دانشگاهها هادی غفاری بود بطوری‌که فعالیت و تحریکات مجنون‌وار او در بیشتر مراکز آموزشی دیده می‌شد. برای نمونه در لویزان، هادی غفاری اهل محل را با سخنان اینچنینی (مدرسه عالی مجتمع لویزان) در اشغال کونیست‌هاست و عکس امام را سوزانده‌اند و دروغ‌های بی‌شماره‌ای از این قبیل، تحریک کرده و مدرسه عالی مجتمع لویزان را تخلیه و درهای آن را جوش می‌دهند. حتی در برخورد با دانشجویان متجمع لویزان مهاجمین از گاز اشک‌آور استفاده کردند.

دست نیست) و یک استاد به ضرب چاقو مجروح و بسه بیمارستان منتقل می‌شود. یکشنبه شب انبوه جمعیت در خیابان ۱۶ آذر با شور و ذوق مبارزاتی خود شب را به صبح رساندند و دانشجویان در مراکز آموزشی متعددی از جمله دانشگاه ملی (تالار ابوریحان)، تربیت معلم، پلی تکنیک، دانشجویان پیشگام و مبارز دفاتر خود را ترک نکرده و شب را در پاسداری از دفاتر خود گذراندند.

دانشجویان انجمن شناختند و در نتیجه گروهی مجروح و عده‌ای دستگیر شدند. در این درگیری نیروهای مهاجم حتی به بیمارستان سعودی که مجاور دانشگاه پزشکی است با سنگ حمله کردند و شیشه‌های بیمارستان را خرد کردند. یک پزشک مجروح و در نتیجه کارکنان بیمارستان با اعتراض این تهاجم وحشیانه از کار خود دست کشیدند. در حوادث دانشگاه شیراز دختری مورد اصابت گلوله واقع شد و کلیه خود را از دست داد.

پاسداران که سهل است توپ و تانک ارتش نیز نخواهد توانست صفوف فشرده دانشجویان ترقیخواه دانشگاه را در هم شکنند در ساعت ۱۰:۵ شب اطلاعیه سازمان دانشجویان پیشگام صادر می‌شود ولی پس از آن بازم سپاه پاسداران به تحریکات خود ادامه داده و مشخصاً تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب به تیراندازی زمینی ادامه می‌دهند. ساعت ۱ بعد از نیمه شب است. صدای رگبارهای پاسداران و کمیته‌های آنها به گوش می‌رسد. مردم یاد مقاومت دلیرانه دانشگاه را در برابر دژخیمان شاه به یاد می‌آورند. بیمارستانها پراز دانشجویان مجروح است. مردم درباره تعداد شهدا حرف می‌زنند بعضی می‌گویند ۲ شهید، بعضی می‌گویند ۶، ۱۰ و بیشتر. آنچه مسلم است عده‌ای از دانشجویان به شهادت رسیده‌اند.

بازرسی بدن می‌کند. با اینکه برای او توضیح داده شد که حرفش نه تنها غیرمنطقی است بلکه اساساً غیرعملی است، اما او اصرار داشت کسه دانشجویان را بازرسی کند. او آشکارا می‌کوشید زیر پوشش بازرسی، محوطه اطراف دانشگاه را محاصره کند و به دانشجویان است بدهد و بعد بگوید به فرمان است بازرسی توجه نکردند و به آنها تلیک کردیم. مهدوی کئی وقتی که دید از فجایی که در این روزها آفریده بیش از حد انتظار زبان دیده است، او وقتی می‌دید این جریان او و دار و دسته قشربون را مفتضح ساخته است می‌خواست در لحظات آخر با کشتن عده دیگری از انقلابیون هم انتقام خود را بگیرد و هم نگذارد دانشگاه بازماند.

توطئه جنایتکارانه به گلوله بستن دانشجویان و تحریک مردم به درگیری با یکدیگر توسط کمیته مرکزی حزب جمهوری اسلامی با دقت تمام تدارک دیده شده بود.

با وجود اطلاعیه شورای انقلاب و فرصت سه‌روزه، انجمن‌های اسلامی به تهاجم و اشغال دانشگاهها ادامه دادند و در نتیجه کشمکش و درگیری در سطح دانشگاهها ادامه یافت و از جمله مدرسه عالی پارس و مدرسه عالی کامپیوتر در اشغال انجمن اسلامی‌ها درآمد.

در شیراز: از صبح روز شنبه تهاجم دسته‌های ارتجاعی به دانشگاههای ادبیات، علوم، پزشکی، مهندسی و کشاورزی آغاز شده بود با مقاومت سخت دانشجویان پیشگام و سایر دانشجویان ترقیخواه روبرو شد و مانع اشغال دانشگاهها از جانب انجمن‌های اسلامی دانشجویان شدند.

دانشجویان انجمن شناختند و در نتیجه گروهی مجروح و عده‌ای دستگیر شدند. در این درگیری نیروهای مهاجم حتی به بیمارستان سعودی که مجاور دانشگاه پزشکی است با سنگ حمله کردند و شیشه‌های بیمارستان را خرد کردند. یک پزشک مجروح و در نتیجه کارکنان بیمارستان با اعتراض این تهاجم وحشیانه از کار خود دست کشیدند. در حوادث دانشگاه شیراز دختری مورد اصابت گلوله واقع شد و کلیه خود را از دست داد.

پاسداران که سهل است توپ و تانک ارتش نیز نخواهد توانست صفوف فشرده دانشجویان ترقیخواه دانشگاه را در هم شکنند در ساعت ۱۰:۵ شب اطلاعیه سازمان دانشجویان پیشگام صادر می‌شود ولی پس از آن بازم سپاه پاسداران به تحریکات خود ادامه داده و مشخصاً تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب به تیراندازی زمینی ادامه می‌دهند. ساعت ۱ بعد از نیمه شب است. صدای رگبارهای پاسداران و کمیته‌های آنها به گوش می‌رسد. مردم یاد مقاومت دلیرانه دانشگاه را در برابر دژخیمان شاه به یاد می‌آورند. بیمارستانها پراز دانشجویان مجروح است. مردم درباره تعداد شهدا حرف می‌زنند بعضی می‌گویند ۲ شهید، بعضی می‌گویند ۶، ۱۰ و بیشتر. آنچه مسلم است عده‌ای از دانشجویان به شهادت رسیده‌اند.

بازرسی بدن می‌کند. با اینکه برای او توضیح داده شد که حرفش نه تنها غیرمنطقی است بلکه اساساً غیرعملی است، اما او اصرار داشت کسه دانشجویان را بازرسی کند. او آشکارا می‌کوشید زیر پوشش بازرسی، محوطه اطراف دانشگاه را محاصره کند و به دانشجویان است بدهد و بعد بگوید به فرمان است بازرسی توجه نکردند و به آنها تلیک کردیم. مهدوی کئی وقتی که دید از فجایی که در این روزها آفریده بیش از حد انتظار زبان دیده است، او وقتی می‌دید این جریان او و دار و دسته قشربون را مفتضح ساخته است می‌خواست در لحظات آخر با کشتن عده دیگری از انقلابیون هم انتقام خود را بگیرد و هم نگذارد دانشگاه بازماند.

بعد از ظهر روز شنبه ۳۰ فروردین راهپیمایی دانشجویان و بخصوص دانشجویان پیشگام در اطراف دانشگاه شروع شد و جمعیت انبوهی در مقابل دفتر پیشگان (۱۶ آذر) برای حفاظت از آن تجمع کردند. عصر همانروز در اکثر دانشگاهها درگیری به وجود آمد و دانشگاهها توسط دانشجویان پیشگام و سایر دانشجویان مبارز و ترقیخواه به سنگر مقاومت مبدل شد.

دانشگاه فراهی، مهدی رضائی، مدرسه عالی تلویزیون پیش آمد و دانشجویان تا روز یکشنبه همچنان به مقاومت خود ادامه دادند.

شبه ساعت ۹ شب به دانشگاه هنرهای دراماتیک حمله می‌شود و در این درگیری ۳۰ نفر زخمی، چند نفر دستگیر و یک نفر ریسوده می‌شود (که اطلاعی از او در

دانشجویان انجمن شناختند و در نتیجه گروهی مجروح و عده‌ای دستگیر شدند. در این درگیری نیروهای مهاجم حتی به بیمارستان سعودی که مجاور دانشگاه پزشکی است با سنگ حمله کردند و شیشه‌های بیمارستان را خرد کردند. یک پزشک مجروح و در نتیجه کارکنان بیمارستان با اعتراض این تهاجم وحشیانه از کار خود دست کشیدند. در حوادث دانشگاه شیراز دختری مورد اصابت گلوله واقع شد و کلیه خود را از دست داد.

پاسداران که سهل است توپ و تانک ارتش نیز نخواهد توانست صفوف فشرده دانشجویان ترقیخواه دانشگاه را در هم شکنند در ساعت ۱۰:۵ شب اطلاعیه سازمان دانشجویان پیشگام صادر می‌شود ولی پس از آن بازم سپاه پاسداران به تحریکات خود ادامه داده و مشخصاً تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب به تیراندازی زمینی ادامه می‌دهند. ساعت ۱ بعد از نیمه شب است. صدای رگبارهای پاسداران و کمیته‌های آنها به گوش می‌رسد. مردم یاد مقاومت دلیرانه دانشگاه را در برابر دژخیمان شاه به یاد می‌آورند. بیمارستانها پراز دانشجویان مجروح است. مردم درباره تعداد شهدا حرف می‌زنند بعضی می‌گویند ۲ شهید، بعضی می‌گویند ۶، ۱۰ و بیشتر. آنچه مسلم است عده‌ای از دانشجویان به شهادت رسیده‌اند.

بازرسی بدن می‌کند. با اینکه برای او توضیح داده شد که حرفش نه تنها غیرمنطقی است بلکه اساساً غیرعملی است، اما او اصرار داشت کسه دانشجویان را بازرسی کند. او آشکارا می‌کوشید زیر پوشش بازرسی، محوطه اطراف دانشگاه را محاصره کند و به دانشجویان است بدهد و بعد بگوید به فرمان است بازرسی توجه نکردند و به آنها تلیک کردیم. مهدوی کئی وقتی که دید از فجایی که در این روزها آفریده بیش از حد انتظار زبان دیده است، او وقتی می‌دید این جریان او و دار و دسته قشربون را مفتضح ساخته است می‌خواست در لحظات آخر با کشتن عده دیگری از انقلابیون هم انتقام خود را بگیرد و هم نگذارد دانشگاه بازماند.

با اطمینان به پیروزی پرولتاریا درود به شهدای و حماسه آفرینانی که با خون خود از استقلال و آزادی خلق دفاع می‌کنند

بقیه در صفحه ۲ ضمیمه

بقیه در صفحه ۲ ضمیمه

بقیه در صفحه ۲ ضمیمه

بقیه در صفحه ۲ ضمیمه

بقیه در صفحه ۲ ضمیمه



اتحاد مبارزه پیروزی اطلاعیه سازمان دانشجویان پیشگام

دانشجویان قهرمان!

مردم آگاه و مبارز ایران!

تهاجم سازمان یافته به دانشگاهها و مدارس عالی که نخستین هدف آن سلب حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی در محیط آموزشی است دشمنی و کینه شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی را نسبت به جنبش انقلابی دانشجویان و همه آن نیروهایی که در جهت آگاهی و تشکل طبقه کارگر و دیگر اقشار محروم جامعه گام برمی دارند بار دیگر به اثبات رساند.

دانشگاهها و مدارس عالی بعنوان سنگر استقلال و آزادی و یکی از پرتحرکترین کانونهای فعالیت انقلابی همیشه مورد تهاجم دولتها بوده است. نقش و اهمیت سیاسی دانشگاههای کشور در مبارزات اخیر مردم ما به آن پایه بود که در روزهای قیام دانشگاه یکی از مراکز رهبری کننده قیام بود.

دانشگاه و تاریخ جنبش انقلابی دانشجویی با مبارزات خونین و حماسه آفرین دانشجویان علیه امپریالیسم امریکا و رژیم شاهنشاهی پهلوی و تمامی دشمنان مردم در هم آمیخته است. تودههای میلیونی مردم با دانشگاه و جنبش انقلابی دانشجویی دارای پیوندهای عمیق و تاریخی هستند. پیوندهایی که ریشه در دفاع پیگیرانه و خونین دانشگاه و جنبش انقلابی دانشجویی از مطالبات و خواستهای طبقه کارگر ایران و میلیونها زحمتکش میهن ما دارد.

وظیفه جنبش انقلابی دانشجویی در برابر این یورش سازمان یافته مقاومت و پایداری است. مقاومت و پایداری ای که در چند روز اخیر با برجای نهادن صدها زخمی و چندین شهید بدون شک بعنوان درخشانترین جلوههای تاریخ مقاومت خلقهای قهرمان ما در تاریخ مبارزات شکوهمند خلقهای سراسر جهان به ثبت خواهد رسید.

ناگفته پیداست که تنها بیان مقاومت و پایداری نمی تواند بر این تهاجم پیروز شود. قابل تاکید است که این تهاجم مضمونی دقیقا سیاسی دارد و مقاومت و پایداری جنبش انقلابی دانشجویی نیز باید بر مضمون سیاسی آن استوار باشد و با برنامههای مشخص این مضمون را اعلام داشته و براساس آن به بسیج نیرو و سازماندهی جنبش مقاومت بپردازد.

سازمان دانشجویان پیشگام وظیفه خود می داند تا ارائه یک برنامه کامل که دگرگونی نظام دانشگاهی را براساس منافع زحمتکشان مد نظر داشته باشد، دگرگونی ای که از آغاز قیام تاکنون خواست و تقاضای همه نیروهای انقلابی دانشگاه و تمامی دانشجویان مبارز و انقلابی بوده است با برنامه ۲ ماده ای زیر مقاومت قهرمانانه دانشجویان را علیه تهاجمی که با بهانه "انقلاب فرهنگی" متوجه سلب حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی در محیطهای آموزشی است سازمان دهد:

۱- دانشجویان و دانشگاهیان با نثار خون خود و با مبارزات قهرمانانه و خونین خود که در سرنگونی رژیم شاهنشاهی نقش برجسته داشته است، آزادی فعالیت های صنفی - سیاسی خویش را به کف آورده اند. این آزادیها باید رسماً از طرف حکومت تضمین شود. هرگونه تغییر و تحولی در مورد امکانات فعالیت های صنفی و سیاسی و از جمله دفاتر تنها برعهده شوراهای دانشجویان و دانشگاهیان می باشد.

دانشجویان و دانشگاهیان برای این حقوق خود سالها مبارزه کرده اند و امروز نیز برای دفاع از ثمرات مبارزات خونین خود از هیچگونه فداکاری و جانبازی دریغ نخواهند کرد. در این راه همه نیروهای انقلابی و همه زحمتکشان آگاه فعالان از دانشجویان و دانشگاهیان حمایت می کنند.

۲- شورای انقلاب برای سرکوب آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک دانشجویان، دانشگاهیان و همه مردم ایران، قبل از هر چیزی قصد دارد دانشگاهها را تعطیل کند. دانشجویان و دانشگاهیان خواهان دایر بودن دانشگاهها هستند و به هیچ وجه اجازه تعطیل دانشگاهها را نخواهند داد.

مردم آگاه ایران و نیروهای انقلابی، همه توان خود را به کار خواهند بست تا از توطئه تعطیل دانشگاهها جلوگیری کنند. دولت باید رسماً دایر بودن دانشگاهها را تضمین کند.

۳- اداره امور دانشگاهها، از جمله بی ریزی نظام نوین آموزشی در دانشگاهها که خواست همه دانشجویان انقلابی و همه دانشگاهیان مبارز است، باید به دست شوراهای دانشجویان و دانشگاهیان باشد. استقلال دانشگاهها و مراکز آموزشی و رسمیت یافتن شوراهای دانشجویان و دانشگاهیان باید از جانب دولت تضمین شود.

۴- ما ضمن محکوم ساختن تهاجمات ضد مردمی شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی که در نتیجه آن صدها دانشجو زخمی و چندین تن از دانشجویان انقلابی بسه شهادت رسیده اند، برای اجتناب از درگیری های بیشتر ساختمان پیشگام مرکزی را از تاریخ سه شنبه ۵۹/۲/۲ (۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) ترک و از همه دانشجویان و دانشگاهیان و همه مردم مبارز تهران دعوت می کنیم تا تصمیم نهائی شورای دانشجویان و دانشگاهیان در مورد پیشگام مرکزی، از تجمع در محل ساختمان پیشگام مرکزی و خیابانهای اطراف خودداری نمایند. بدیهی است که مسئولیت هر حادثه سوئی که اتفاق افتد، بر عهده کسانی می دانیم که با یورش به حریم دانشگاه حوادث خونین روزهای اخیر را بدیند آورده اند.

ما مبارزه برای حقوق یاد شده را با همه توان خویش ادامه خواهیم داد و در صورت نقض حقوق یاد شده تا حصول پیروزی به مبارزات همه جانبه خود ادامه خواهیم داد.

ما از همه مردم و همه نیروهای انقلابی که در چند روز گذشته از مبارزات دانشجویان و دانشگاهیان حمایت کرده اند، می خواهیم که همچنان از مبارزات عادلانه دانشجویان و دانشگاهیان که برای استقلال و آزادی ایران اهمیت اساسی دارد، در روزهای آینده هرچه فعالانه تر حمایت کنند.

قابل تاکید است که درباره موارد فوق با شخص رئیس جمهور و آقای حسن حبیبی وزیر فرهنگ و آموزش عالی مذاکرات لازم به عمل آمده است.

پیروز باشید.

سازمان دانشجویان پیشگام
دوشنبه اول اردیبهشت ۱۳۵۹

یورش مسلحانه پاسداران

بقیماز صفحه ۲ ضمیمه

این درست همان چیزی است که طراحان این یورشها و مجریان سیاست امپریالیسم امریکا خواهان آن هستند. رئیس جمهور مذاکره را به حسن ابراهیم حبیبی وزیر فرهنگ و آموزش عالی محول کرد تا خواستهای دانشجویان بطور دقیقتر مورد بررسی قرار گیرد. در مذاکره ای که با وزیر علوم صورت گرفت باردیگر خواستهای دانشجویان مطرح و تصریح گردید تا چنانچه خواستهای دانشجویان پذیرفته نشود و قبول آنها از رسانه های گروهی اعلام نگردد محوطه پیشگام مرکزی را ترک خواهند کرد.

در مذاکرات نمایندگان حکومت اعلام کردند که خواستهای دانشجویان را پذیرفته و آماده اند آنها را از رسانه های گروهی اعلام دارند. دانشجویان در برابر این اظهارات صمن تاکید بر اینکه چنانچه بعدها این خواستها نقض شود یا تمام قدرت در برابر آن دست به مقاومت خواهند زد اعلام کردند برای جلوگیری از تشنجات و جلوگیری از درگیری ها که مسلماً خواست دشمن خلق است از هیچ کوششی فروگذار خواهند کرد. اما اوباشان و پاسداران محافظ آنها که نقشه های دیگر را در سر می پروراندند از این موضع منطقی

دانشجویان پیشگام که با مبارزه قهرمانانه خود تا امروز پیشگام مبارزه ضد امپریالیسم و مبارزه در راه حفظ آزادی های سیاسی بوده اند از خود پایداری نشان دادند چرا که دانشجویان پیشگام همواره پیگیرتر از همه از آزادی سیاسی که خونهای شهدای خلق است دفاع کرده اند و در آینده نیز دفاع خواهند کرد. در برابر یورش سرکوبگرانه اوباش و پاسدارانی که گوش به فرمان حزب جمهوری اسلامی ایران بوده اند و خواستار تعطیل دانشگاه، تعطیل هر نوع فعالیت سیاسی و صنفی - اخراج همه نیروهای انقلابی اعم از استاد و دانشجو از دانشگاه شده بودند دانشجویان تصمیم گرفتند تا دست یافتن به:

- ۱- تضمین ادامه فعالیت دانشگاه تا پایان سال.
- ۲- تضمین آزادی سیاسی و فعالیت صنفی.
- ۳- تأمین دفتر فعالیت سیاسی - صنفی توسط شوراهای دانشجویان و دانشگاهیان. تصمیم عدم تعرض به دفاتر سازمان های دانشجویی در خارج از دانشگاه در برابر این یورش فاشیستی ایستادگی کنند و با خود بود از آزادی هایی که گراسپاترین دساورد قیام توده های مردم است

پیشگام در مذاکره با سی صدر و وزیر علوم خواستهای خود را مطرح کرد:

- ۱- تضمین ادامه فعالیت دانشگاه تا پایان سال
- ۲- تضمین آزادی سیاسی و فعالیت صنفی
- ۳- تأمین دفتر فعالیت سیاسی - صنفی توسط شوراهای دانشجویان و دانشگاهیان

و انقلابی دانشجویان به وحشت افتادند. آنها وقتی دیدند خواست دانشجویان خواست همه مردم انقلابی است با یورش وحشیانه به دانشجویان با بستن رگبار مسلسل به روی دانشجویان یک بار دیگر خاک دانشگاه تهران را و دستهای حمایتی خود را به خون انقلابیون آغشته. پاسداران کمیته مرکزی همچون درخیمان رژیم شاه لوله های مسلسل را به روی دانشجویان انقلابی - چریکی - سرگردانند و دهها شهید را در صحن دانشگاه برجای نهادند.

رئیس جمهوری نیز در حالی که بطور دقیق می داند که پاسداران کمیته مرکزی و اوباشان حزب جمهوری اسلامی چه جنایاتی مرتکب شده اند، با کمال وفاحت مسئولیت جنایات پاسداران و حامیان خود را برعهده دانشجویان انداخت و یک بار دیگر بطور آشکار به مردم دروغ گفت. بی صدر خودش خوب می داند که چه دست هائی و چگونه و در کجا گفته کنار دانشجویان را کشیده بودند اما این حقایق را تماماً از مردم پوشیده داشت و دانشجویان انقلابی را مسبب شلیک گلوله هائی دانست که سینه های آنها را شکافته است.

راستی را که تا بدین حد غوامرینی تنها از عهده بی صدر و دیگر کسانی ساخته است که عاملین ترور نواحی را در پناه خود گرفته اند. و بشرمانه گروه های وهمی و خود ساخته را عامل جنایاتی معرفی کرده اند که به دست پاسداران انقلاب اسلامی در زندان جمهوری اسلامی انجام گرفته است.

دفاع کنند. هزاران دانشجو و دانش آموز پیشگام به دنبال این تصمیم در خیابان ۱۶ آذر اجتماع کردند و اعلام کردند تا لحظاتی که تصمیم های کثیف در مورد خواستهایشان از جانب مسئولین امور داده نشود حاضر نیستند ساختمان پیشگام مرکزی را واقع در خیابان ۱۶ آذر تهران ترک کنند. دانشجویان عموماً متذکر شدند که ساختمان پیشگام مرکزی را از شورای دانشجویان دانشگاه تهران تحویل گرفته اند در صورت موافقت با خواستهایشان این ساختمان را فقط به نمایندگان شورای دانشجویان و دانشگاهیان تحویل خواهند داد. و در برابر هر نوع مداخله پاسداران و اوباش حزب جمهوری اسلامی همدست آنها با تمام قدرت مقاومت خواهند کرد. دانشجویان بدیوسیمه نشان دادند که در عمل و نه در حرف خواهان حفظ استقلال دانشگاهها هستند و با تمام قدرت از آن دفاع خواهند کرد.

در حالی که سرود پایداری دانشجویان در برابر ساختمان پیشگام مرکزی و در سراسر خیابان ۱۶ آذر طنین افکن بود نمایندگان دانشجویان تا مسئولین حکومتی به مذاکره بیاورون خواستهایشان برداشتند. در مذاکره با رئیس جمهور که ساعت ۹ صبح روز دوشنبه اول اردیبهشت صورت گرفت دانشجویان صریحاً خواستهای خود را مطرح و اعلام کردند تنها با تضمین نامین این خواستهاست که به بحران موجود خاتمه داده خواهد شد. ضمناً نمایندگان دانشجویان متذکر شدند که چنانچه به این خواستها توجه نشود تشنجات گسترش خواهد یافت و

جشن مصادره انقلابی زمین‌ها در "ارمنی بولاغی" از روستای منطقه بوکان

قبل در ارتفاعات اطراف مستقر شده بودند. میتینگ حدود سه ساعت به طول انجامید و طی آن پیام‌های بسیاری از طرف زحمتکشان روستاهای اطراف خوانده شد در پایان مراسم اعلام گردید که شورا تصمیم دارد با تراکتور حدود مصادره شده را مشخص کند و از مردم تقاضا شد که به هر وسیله می‌توانند خود را به محل برسانند. جمعیت با شتاب و شوق بی‌نظیری در زمین مصادره شده گرد آمدند. تراکتورها از چهار سو زمین را شخم می‌زدند. اسوه جمعیت از شور و شوق لبریز بودند. روستائیان زحمتکش که شمره اتحاد و مبارزه خود در برابر دشمنان یعنی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ را به چشم می‌دیدند، آنچنان به وجد آمده بودند که چند تن از آنها خاک زمین را به سر و روی خود می‌پاشیدند. زحمتکشان "ارمنی بولاغی" جشن وحدت و مبارزه همه زحمتکشان و روستائیان انقلابی زمین‌ها را برگزار می‌کردند.

دست کردستان، ازبانه، دیواندره، تا دره قاسملو و برادوست و نماینده خلق ترکمن به اتفاق خیل عظیم زحمتکشان بوکان در روستاهای اطراف با ماشین، تراکتور، پیاده و... برای شرکت در میتینگ به ارمنی بولاغی آمدند. کوجه‌ها و در و درو دیوار مدرسه (محل برگزاری میتینگ) و اطراف آن، پوشیده از پارچه‌ها و پلاکاردهایی بود که روی آن این شعارها به چشم می‌خورد: "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" "من زمینداران بزرگ، باید مصادره شده و در اختیار خوشترشین‌ها و دهقانان فقیر قرارگیرد" "مردمی که متحدند همه قهرمانند، همه فدائیند" روستائیان از شور و شوق سر از پا نمی‌شناختند. امروز برآستی در قلب روستا زندگی گرمتر از همیشه می‌تپد. با فرارسیدن ساعت برگزاری میتینگ پس از دو هزار زحمتکش روستا، دانش‌آموزان، عده‌ای از مردم مبارز بوکان و... به محل برگزاری مراسم شتافتند. پیشمرگان فدایی از

به کار با اهمیت دو چندان نسبت به گذشته برای اهالی مطرح شد. گرانی و کمبود مواد مصرفی روز بروز فشار بیشتری بر آنها وارد می‌کرد. روستائیان در شورای انقلابی خود، برای پایان دادن به وضعیت ناسامان‌شان تصمیم گرفتند که زمین‌های ارباب را مصادره کنند و در اختیار شورا بگذارند. طبق این تصمیم قرار شد که آن قسمت از زمین‌های مصادره شده که در اختیار دهقانان و خوش‌نشینان قرار می‌گیرد توسط خود آنان و بطور جمعی کشت و اداره شود. مثلا شورای "ارمنی بولاغی" با همکاری دفتر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در بوکان تصمیمات خود را در هفته بازار بوکان و دبیرستان‌های شهر اعلام کرد و از مردم و نمایندگان روستاها خواست که در "میتینگ چهارشنبه یازدهم فروردین، که منظور مصادره زمین‌های غلامحسین اردبیلی، مالک فراری ارمنی بولاغی" تشکیل می‌شود شرکت کنند. در روز تعیین شده نمایندگان بیش از ۸۰ روستا از نقاط دور

و به این ترتیب اتحاد مستحکم خود را با کارگران اعلام کرده‌اند. دهقانان زحمتکش کرد همصدا با دهقانان سراسر ایران می‌گویند ما دیگر نمی‌خواهیم شاهد گرسنگی، بیماری و بیسوادی در روستاها باشیم. ما می‌خواهیم خان‌ها را از روستا بیرون کنیم و زمین‌های زمینداران بزرگ را مصادره نماییم و از طریق تشکیل شوراها و انتخاب نمایندگان واقعی خود، تمام امور مربوط به زندگی خود را کنترل کنیم. زحمتکشان روستای "ارمنی بولاغی" نیز در این مبارزه لنی و طبقاتی فعالانه شرکت دارند. "ارمنی بولاغی" پس روستاهای بوکان، میاندوآب و شاهیندره واقع شده است و جمعا ۸۰ خانوار ساکن دارد. ارمنی حاصلخیز روستا به وسیله غلامحسین اردبیلی غصب شده بود که اکنون فراری است. پس از قیام به دنبال تعطیل شرکت‌های ساختمانی و راه ساری که منبع درآمدی برای خوش‌نشینان روستا بود، مسئله زمین و اشتغال

دهقانان زحمتکش کرد با شرکت فعال در جنبش مقاومت، مبارزه در راه کسب خودمختاری را در ارتباط با مبارزه بر علیه زمینداران بزرگ به پیش می‌برند. اگر آنها نقش عمده را در جنبش مقاومت ایفا می‌کنند و در این راه از خود قهرمانی‌ها نشان می‌دهند، اگر شعار "برقرار باد خودمختاری به دست شوراها و مردمی در کردستان" را فریاد می‌کنند تنها به این دلیل بوده و هست که مبارزه برای کسب خودمختاری را از مبارزه برای مصادره انقلابی زمین‌های بزرگ مالکان جدا نمی‌دانند. هر روز که می‌گذرد دهقانان بیشتر در می‌یابند که تنها راه کسب خودمختاری اتحاد مبارزاتی همه زحمتکشان یعنی کارگران، دهقانان، کسبه و پیشه‌وران و سایر اقشار زحمتکش کردستان و سراسر ایران است آنها بارها گفته‌اند: "خودمختاری بانی چی؟ بانی کار بوکرکار، بانی دره‌وی بو جوتیار" (خودمختاری یعنی چه؟ یعنی کار برای کارگر، یعنی زمین برای دهقانان)

شهید دانشگاه راهت ادامه دارد...

• امروز جمهوری اسلامی به سینه این دل‌اوران آتش می‌کشايد...

جشن اول ماه مه

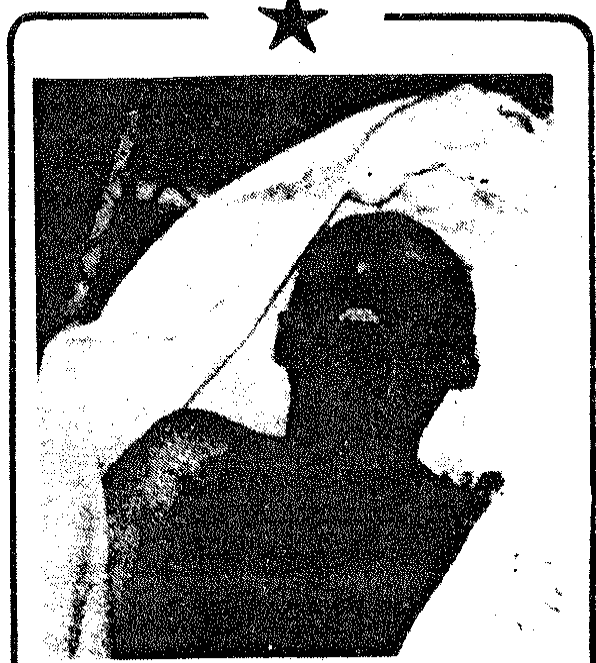
را هر چه

با شکوه تر

بر گزار کنیم



محسن رفعتی



فریدون آشوری